

دریانوردی و امور مرتبط با آن در اندلس، از آغاز ورود اسلام تا پایان دوره امویان اندلس (۴۲۲ - ۹۲ ق)

علی‌رضا روحی*

چکیده

موقعیت جغرافیایی اندلس و اینکه از سه جهت با دریا احاطه شده، باعث شد تا مسلمانان بندرها و لنگرگاه‌های متعددی در اطراف آن بنا کنند. در سال‌های آغازین ورود مسلمین به اندلس و در آغاز حکومت امویان، دریانوردی و ناوگان نظامی از امور مهم به شمار نمی‌آمد، زیرا فرمانروایان مسلمان سرگرم استقرار حکومت و سرکوب قیام‌های داخلی و نبردهایی در خشکی بودند. اما امویان از زمان عبدالرحمن اوسط (حک ۲۳۸ - ۲۰۶ ق) و پس از حملات نورمان‌ها به سواحل اندلس در سال ۲۲۹ ق، اهتمام ویژه‌ای به ساخت ناوگان نظامی مبذول نمودند و در واقع آغاز پایه‌گذاری و توجه به دریانوردی را در اندلس از این زمان باید دانست. از این پس، امیران اموی، اهتمام بسیاری به تقویت ناوگان نظامی داشته و از نیروی دریایی استفاده زیادی برای مقابله با نورمان‌ها و محدودکردن نفوذ فاطمیان نمودند. این توجه به امور دریانوردی باعث شد تا در اندلس پادگان‌ها و استحکامات دریایی متعددی بنا گردیده و منصب امیرالبحر از جایگاه والایی برخوردار شود. المریه مهم‌ترین بندر نظامی گردید و در تعدادی از بنادر، کارخانه‌های کشتی‌سازی ساخته شد.

واژگان کلیدی

اندلس، دریانوردی، نورمان‌ها، فاطمیان، استحکامات دریایی.

*. دانشیار گروه تاریخ، فرهنگ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه علوم اسلامی رضوی و مدرس دروس معارف اسلامی.
dr.rohy@gmail.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۶/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۰

طرح مسئله

شبه‌جزیره اندلس از موقعیت خاص جغرافیایی برخوردار بود. این منطقه، جزیره نامیده شده زیرا شکل آن به گونه‌ای است که دریاها از سه جهت آن را دربر گرفته‌اند. جنوب آن را دریای مدیترانه (بحرالروم یا البحرالشامی)، غرب آن را اقیانوس اطلس (بحرالظلمات یا البحرالمظلم یا البحرالأخضر) و شمال آن را خلیج بیسکای (بحرالأنقلیشیین) احاطه کرده‌است. طول اندلس - از کنیسه الغراب در ساحل اقیانوس اطلس تا کوه هیکل زهره - ۱۱۰۰ میل و عرض آن ۶۰۰ میل است.^۱

بکری در توصیف اندلس نوشته‌است:

سرزمین اندلس مثلث شکل است. یک رکن آن محلی است که در آن صنم‌قادس بین غرب و قبله قرار دارد و از آن جا از دریای مدیترانه به طرف شام خارج می‌شوند. رکن دوم در شرق اندلس، بین شهر نربونه^۲ و شهر بردیل^۳ که در مقابل آن دو جزیره میورقه^۴ و منورقه^۵ در مجاورت اقیانوس اطلس و دریای مدیترانه [است]، قرار دارد و رکن سوم جایی است که دریا از داخل به جهت غرب منعطف می‌شود و کوه موفی در دریا قرار دارد و در آن صنم‌العالی مشابه صنم‌قادس می‌باشد.^۶

وضعیت جغرافیایی اندلس و اینکه از سه جهت محدود به پهنه‌های وسیع آبی است، این منطقه را تبدیل به شبه‌جزیره کرده و باعث شد تا مسلمین به تدریج و بنا بر نیاز، نسبت به امور دریایی توجه و تمرکز نمایند. وجود خلیج‌ها در سواحل اندلس موجب شد تا استقرار کشتی‌ها و رفت‌وآمد آنها به

۱. حمیری، *صفه جزیره الاندلس*، ص ۲.

۲. شهر نربونه در ساحل اقیانوس اطلس قرار دارد. (بکری، *المسالك و الممالک*، ج ۲، ص ۸۹۳)

۳. بردیل در سرزمین جلیقیه قرار دارد و از بهترین اقالیم این ناحیه به‌شمار می‌آید. بردیل شهر بزرگی است که بر سنگ و شن و در ساحل رود جرونه بنا شده است. (حمیری، *صفه جزیره الاندلس*، ص ۴۲ - ۴۱)

۴. جزیره میورقه (Majorca) جزیره‌ای در شرق اندلس در نزدیک جزیره منورقه قرار دارد. (حموی، *معجم البلدان*، ج ۵، ص ۲۴۶) میورقه در شرق جزیره یابسه قرار دارد و بین آن دو کانال آبی واقع شده است. در این جزیره شهری بزرگ دارای فرمانروا و نیرو و اسلحه و اموال است. (ادریسی، *نزهة المشتاق*، ج ۲، ص ۵۸۲) این جزیره در تنگه دریایی قرار دارد و در سمت مقابل آن از جهت خشکی، بجایه قرار دارد. در شرق آن سردانیه است و دو راه آبی دارد. طول میورقه از غرب به شرق ۷۰ میل و عرض آن ۵۰ میل است. مسلمانان این جزیره را در سال ۲۹۰ ق فتح نمودند. (حمیری، *صفه جزیره الاندلس*، ص ۱۸۸)

۵. جزیره منورقه (Minorca) جزیره‌ای آباد در شرق اندلس و نزدیک میورقه می‌باشد. (حموی، *معجم البلدان*، ج ۵، ص ۲۱۶) این جزیره در شرق میورقه قرار دارد و در مقابل آن شهر برشلونه واقع شده، بین آن دو کانال دریایی قرار دارد. (ادریسی، *نزهة المشتاق*، ج ۲، ص ۵۸۲؛ حمیری، *صفه جزیره الاندلس*، ص ۱۸۵)

۶. مقری، *فتح الطیب*، ج ۱، ص ۱۳۰؛ بکری، *المسالك و الممالک*، ج ۲، ص ۸۹۳

سهولت انجام پذیرد و بندرهای مهم نظامی و تجاری تأسیس شده و از آنها در همین امور بهره‌گیرند. برخی از بندرهای مهم اندلس در مصب رودهای بزرگ بنا شدند. این امر باعث شد تا کشتی‌رانی به این شهرها به آسانی انجام شود. بکری اشاره‌های متعددی به بندرها و سفرهای دریایی در سواحل اندلس دارد.^۱ دریانوردان اندلس به‌خوبی جزرومد را می‌شناختند و در زمان مد، کشتی‌هایشان را به بارانداز بندر وارد، و در زمان جزر از آن خارج می‌کردند.^۲ اندلس به‌عنوان یک شبه‌جزیره، قابلیت تبدیل شدن به کشوری که دارای ناوگان نظامی قوی باشد را دارا بود. برخی از شهرهای ساحلی این شبه‌جزیره، در مصب رودها و یا ساحل رودهایی که به دریا منتهی می‌شد، بنا گردیدند. در برخی بندرها نیز برای سهولت دریانوردی، موج‌شکنی از سنگ ساخته شد. در دسترس بودن لوازم کشتی‌سازی از جمله معادن آهن و درختان صنوبر که برای کشتی‌سازی اهمیت داشت، باعث رونق این صنعت گردید.

درخصوص دریانوردی در اندلس در عصر اموی، پژوهش خاصی به‌صورت مستقل تألیف نشده است، اما در بیشتر کتاب‌ها و آثار جدید هم‌چون *تاریخ دولت اسلامی در اندلس* تألیف محمد عبدالله عنان با شرح و بسط، به حمله نورمان‌ها و غارت‌هایشان و برخی لشکرکشی‌های دریایی پرداخته شده، هم‌چنین نعتی در کتاب *دولت امویان در اندلس* ضمن پرداختن به حمله نورمان‌ها، برخی امور دریانوردی را مورد توجه قرار داده و برخی تحلیل‌ها و مباحث را بدون ارجاع نقل کرده‌است که از نظر نویسنده فاقد اعتبار و وجاهت علمی است. در کتاب *معالم تاریخ المغرب و الاندلس* تألیف حسین مونس و نیز در کتاب *تاریخ العرب و حضارتهم فی الاندلس* تألیف ابراهیم السامرای، به‌صورت گذرا به غارت‌های نورمان‌ها پرداخته شده است. هم‌چنین در کتاب *الاندلس فی الربع الاخیر من القرن الثالث* تألیف محمد بن ابراهیم ابوالخیل نیز به حملات امویان به جزایر شرقی پرداخته شده است. در این مقاله تلاش شده تا به بررسی مناسبات دریایی و امور مرتبط با آن از زمان فتح اسلامی تا پایان عصر اموی (۴۲۲ - ۹۲ ق) پرداخته شود. مهم‌ترین پرسش‌هایی که در این نوشتار درصدد پاسخگویی به آن هستیم این است: - دریانوردی در چه زمانی در اندلس مورد توجه جدی قرار گرفت؟ - امویان اندلس پس از آن چه اقداماتی در جهت توسعه آن انجام دادند؟ - امویان از ناوگان دریایی در چه حوادثی استفاده نمودند؟ - استحکامات دریایی و کارخانه‌های کشتی‌سازی در کدام شهرها ساخته شدند؟

۱. همان، ص ۷۶۰ - ۷۵۷ و ۸۹۷ - ۸۹۶ و صفحات دیگر.

۲. ادیسی، *نزهة المشتاق*، ج ۱، ص ۲۳۹.

دریانوردی در اندلس از زمان فتح تا دوره عبدالرحمن اوسط (۲۰۶ - ۹۲ ق)

گزارش‌هایی درباره مسیرهای دریایی و استفاده از کشتی‌های تجاری و نظامی در زمان فتح اندلس و در عصر والیان نقل شده است.^۱ چنانکه موسی بن نصیر گزارش مسیر دریایی اندلس را به خلیفه داد و نگرانی او را از خطرات آن رفع نمود. این گزارش او نشان از آگاهی وی بر راه‌های دریایی دارد. او از کشتی‌های ژولیان برای انتقال نیروهای پیاده و سواره استفاده نمود. این کشتی‌ها در رفت و آمد بودند تا ۵۰۰۰ نفر از سپاهیان موسی و ۱۲۰۰۰ نیروی طارق به اندلس منتقل شوند.^۲ روایتی اسطوره‌ای نقل می‌شود که طارق پس از اینکه در جزیره الخضراء پیاده شد، دستور داد تا برای جلوگیری از بازگشت نیروها، کشتی‌ها را بسوزانند.^۳ البته این روایت صحیح نبوده و فقط جنبه اسطوره‌ای دارد. ابن قوطیه نیز اشاره‌هایی به ساخت کشتی در اشبیلیه در زمان فتح دارد.^۴ بلج بن بشر در زمان ورود به اندلس قایق‌هایی را ساخت و از کشتی‌ها و دریانوردان برای ورود به اندلس کمک گرفت.^۵ والیان اندلس دریافتند که باید از حمایت نیروهای قدرتمند دریایی بهره گیرند تا از یک سو ارتباط دائمی آنان را با مسلمانان در شمال آفریقا و مصر تضمین کند و از سوی دیگر در مقابل تهاجمات دشمنان از سواحل اطراف شبه جزیره، مقاومت و دفاع کنند.^۶ در دوره والیان، گزارش‌های اندکی از دریانوردی و امور مرتبط با آن ثبت شده است.

پس از انقراض امویان در شرق در سال ۱۳۲ق، عبدالرحمن بن معاویه معروف به عبدالرحمن داخل (حک ۱۷۲ - ۱۳۸ ق) با کمک غلامش، بدر، به اندلس راه یافته و حکومت امویان اندلس را پایه‌گذاری نمود. گزارش‌هایی از وضعیت بندرها و کشتیرانی در زمان او ثبت شده است. بدر با کمک موالی امویان به ساحل تدمیر آمده و کشتی‌هایی خریداری نمود و به نزد عبدالرحمن آمد. عبدالرحمن با این کشتی‌ها به اندلس نقل مکان کرد.^۷ عبدالرحمن با کمک فرمانده‌ای دریایی به نام ابافریعه که در امور دریانوردی تبحر داشت، به اندلس راه یافت.^۸ نخستین مکانی که عبدالرحمن به آن وارد شد،

۱. ابن عذاری، *البيان المغرب*، ج ۱، ص ۴۳؛ ج ۲، ص ۶ - ۴؛ مقری، *نفتح الطیب*، ج ۱، ص ۲۳۱.

۲. *اخبار مجموعه*، ص ۱۷ - ۱۵؛ مقری، *نفتح الطیب*، ج ۱، ص ۲۵۷.

۳. حمیری، *صفه جزيرة الاندلس*، ص ۷۵.

۴. ابن قوطیه، *تاریخ افتتاح الاندلس*، ص ۳۱.

۵. همان، ص ۴۱ - ۴۰؛ *اخبار مجموعه*، ص ۴۳.

۶. نعنی، *دولت امویان*، ص ۱۹۷.

۷. ابن خطیب، *اعمال الاعلام*، ص ۸.

۸. ابن قوطیه، *تاریخ افتتاح الاندلس*، ص ۴۷.

بندر المنکب بود.^۱ او پس از ورود به اندلس به شدت درگیر قیام‌های داخلی و شورش‌های مختلف در اقصی نقاط اندلس بود. برخی گزارش‌ها اشاره به وجود نیروی دریایی در زمان وی دارد. چنانکه در جریان سرکوب نمودن قیام عبدالرحمن بن حبیب الفهری توسط عبدالرحمن داخل، ابن حبیب شکست خورده و پس از آنکه به بلنسیه گریخت، کشتی‌های موجود در ساحل دریا را سوزاند.^۲ در زمان عبدالرحمن، چند عامل باعث شد تا او احساس نیاز کمتری به ناوگان قوی دریایی داشته باشد. اتحاد و هم‌پیمانی استراتژیک بنی‌امیه با بنی‌رستم (حک ۲۹۶ - ۱۶۰ ق) و همچنین همراهی با امپراطوری روم شرقی در دشمنی با عباسیان، از دلایلی بود، که باعث شد تا امویان دشمن جدی و قوی در سواحل مدیترانه نداشته باشند. غالب جنگ‌ها و لشکرکشی‌های عبدالرحمن در اطراف و اکناف اندلس بود و قیام و حرکت جدی در مرزهای آبی برضد او به وجود نیامد. عدم وجود تهدید جدی در سواحل مدیترانه و اقیانوس اطلس و امینت پایدار در این مناطق باعث شد تا عبدالرحمن به دنبال پایه‌گذاری نیروی دریایی قوی نباشد.

در دوره جانشینان عبدالرحمن نیز - اگرچه شورش‌ها کاهش یافت - احساس بی‌نیازی به نیروی دریایی همچنان باقی بود، از سویی ممالک مسیحی شمال با امویان، در مرزهای خشکی می‌جنگیدند و چندان احساس نیاز به ناوگان دریایی به وجود نیامد، همین امر باعث شد تا در سواحل اندلس، استحکامات نظامی قوی تأسیس نشود. این موضوع تا دوره عبدالرحمن اوسط ادامه داشت. تا این زمان گزارشی مبنی بر نبرد دریایی در اطراف اندلس ثبت نشده است. مسلمانان از گروه‌های عرب که از یمن آمده بودند و در سواحل شرقی اندلس در کرانه مدیترانه ساکن شده بودند، استفاده می‌کردند. این گروه‌ها اداره لنگرگاه‌های کوچک، رباط‌ها، کارخانه‌ها و کارگاه‌های کشتی‌سازی را برعهده داشتند. هر چند این گروه‌ها بیشتر همت خود را صرف رفت‌وآمدهای تجاری می‌نمودند.^۳

زمینه‌ها و علل تأسیس ناوگان دریایی در دوره عبدالرحمن اوسط (حک ۲۳۸ - ۲۰۶ ق)

توجه امویان به ناوگان دریایی از زمان حمله نورمان‌ها به سواحل غربی و جنوبی اندلس آغاز شد. در منابع عربی از نورمان‌ها با عنوان مجوس یا اردمانیون یاد شده است،^۴ و به زبان انگلیسی به آنها (Norsmen) یا (Vikings) گفته می‌شد. در زمان ابن خطیب به آنها نصاری قشتاله انقلیش می‌گفتند

۱. حمیری، *صفه جزيرة الاندلس*، ص ۱۸۶.

۲. ابن عذاری، *البيان المغرب*، ج ۲، ص ۵۶.

۳. نعی، *دولت امویان در اندلس*، ص ۱۹۸.

۴. ابن حیان، *السفر الثاني من کتاب المقتبس*، ص ۴۵۰ و ۴۵۵.

و نزد اهل مشرق به فرنج و انگلیتر مشهور بودند و چون نورمان‌ها در همه جا آتش می‌افروختند، لذا به آنها مجوس نیز گفته می‌شد. موطن آنها دو جزیره بزرگ بود که یکی از آنها ۷۰۰ میل بود. آنها دارای نیرو و توان بسیار بودند^۱ و از اقوام وایکینگ‌ها به‌شمار می‌آمدند. آنان در مناطق شمالی اروپا و حدود اسکاندیناوی ساکن بوده و شهرت خاصی در نبردهای دریایی و حمله به مناطق مجاور خود داشتند.

نورمان‌ها در سال ۲۲۹ق با ۵۴ کشتی در ثغر اشبونه^۲ فرود آمدند و پس از چندی ۲۶ کشتی دیگر به کمک آنها آمده و همانند پرنندگان خلیج، دریا را پر نمودند.^۳ آنان ساحل شهر را تصرف و با اهالی اشبونه نبرد شدیدی نمودند، اما ساکنان شهر مانع ورود آنها شدند. نورمان‌ها با هر ناو جنگی و یا کشتی کوچک که داشتند، حمله کردند و چون فهمیدند ورود به شهر سخت است، به کشتی‌هایشان برگشتند و از آن جا به طرف جنوب رفته و وارد ایالت اشبیلیه^۴ شدند. پس از این بر ساحل کوره شذونه^۵ فرود آمده و مرز جزیره قادس^۶ را اشغال نمودند. آنان شهر اشبیلیه را به مدت چند روز تصرف کردند و در طی این مدت کشتار و نابودی زیادی مرتکب شدند. آنها بخش زیادی از شهر را تخریب کرده و یا سوزاندند و حتی مسجد جامع را آتش زدند.^۷ العذری در روایتی اشاره می‌کند که در آغاز حمله نورمان‌ها، ۱۵ کشتی برای کمک به عبدالرحمن در اشبیلیه لنگر انداخته و چون نورمان‌ها

۱. ابن خطیب، *اعمال الاعلام*، ص ۲۰.

۲. اشبونه (Lesbone) به این شهر لشبونه نیز گفته می‌شود و آن متصل به شنتین نزدیک اقیانوس اطلس است. (حموی، *معجم البلدان*، ج ۱، ص ۱۹۵) این شهر از کوره باجه و در غرب آن است. اشبونه در ساحل دریا است و امواج دریا به دژ آن می‌کوبد. دژ و قصبه آن مستحکم است. اشبونه بر ساحل اقیانوس اطلس و گلوگاه دریا قرار دارد. (حمیری، *صفه جزیره الاندلس*، ص ۱۶) این شهر بر ساحل اقیانوس اطلس و در مصب رود تجو قرار دارد و از آنجا به طرف جزائر خاللات (قناری امروزی، Canarias) می‌رفتند. (ابن کردبوس، *تاریخ الاندلس*، ص ۱۲۸)

۳. ابن عذاری، *البيان المغرب*، ج ۲، ص ۸۷.

۴. اشبیلیه شهر بزرگ و عظیمی است که امروزه (قرن هفتم) بزرگ‌تر از آن وجود ندارد. نواحی آن متصل به نواحی لبله و در غرب قرطبه قرار دارد و بین آن دو، ۳۰ فرسخ فاصله است. اشبیلیه بر ساحل رود بزرگی است که در بزرگی همانند دجله و نیل است و کشتی‌های سنگین در آن حرکت می‌کنند و به آن رود وادی الکبیر می‌گویند. (حموی، *معجم البلدان*، ج ۱، ص ۱۹۵)

۵. شذونه (Medina Sidonia) ایالتی متصل به کوره مورور و در طرف جنوبی شبه‌جزیره و در شمال غربی جزیره الخضراء واقع شده است. (حمیری، *صفه جزیره الاندلس*، ص ۱۰۰؛ مقری، *نفتح الطیب*، ج ۱، ص ۱۴۱)

۶. جزیره قادس یا قادش یا کادیس (Cadiz) جزیره‌ای در غرب اندلس و نزدیک نواحی شذونه است، طول آن ۱۲ میل است و در نزدیکی خشکی، بین آن و خشکی، خلیج کوچکی است. (حموی، *معجم البلدان*، ج ۴، ص ۲۹۰) این جزیره از اقلیم بحیره است و در ساحل اقیانوس اطلس قرار دارد. (ادریسی، *نزهة المشتاق*، ج ۲، ص ۵۳۶؛ حمیری، *صفه جزیره الاندلس*، ص ۱۴۵)

۷. ابن حیان، *السر الثاني من کتاب المقتبس*، ص ۴۵۱ - ۴۵۰؛ ابن قوطیبه، *تاریخ افتتاح الاندلس*، ص ۸۲ - ۸۰؛ ابن عذاری، *البيان المغرب*، ج ۲، ص ۸۷.

این موضوع را فهمیدند، به لبله^۱ رفته و آنجا را غارت نموده و اسیر گرفتند،^۲ این ناوگان دریایی قدرت کافی برای مقابله با حمله‌های نورمان‌ها را نداشت.

مسلمانان تا این زمان از نورمان‌ها و کشتی‌هایشان شناختی نداشتند. عبدالرحمن به سرعت به مقابله با نورمان‌ها شتافت. نیروهای او توانستند نواحی اشیلیه را تصرف نمایند. عبدالرحمن برای جمع‌آوری نیرو به فرماندهان نواحی دیگر نامه نوشته و تقاضای کمک نمود. نیروها از هر سویی به قرطبه روی آوردند. مسلمانان با کمک و پشتیبانی سپاه قرطبه، توانستند در ۲۵ صفر سال ۲۳۰ ق بر نورمان‌ها در قریه طلیاطه^۳ پیروز شوند، به طوری که ۱۰۰۰ نفر از آنها کشته و چهارصد و اندی نیز اسیر شدند. ابن‌رستم فرمانده نیروهای عبدالرحمن دستور داد تا اسیران را در برابر نورمان‌ها اعدام کنند، درحالی‌که آنها می‌نگریستند و ترس بر آنان مستولی شده بود. ۳۰ کشتی از نورمان‌ها خالی شده و به غنیمت مسلمانان درآمد، که همه را سوزانند.^۴ پس از غلبه عبدالرحمن، نورمان‌ها تقاضای صلح نمودند. عبدالرحمن سفارتی نزد آنها به اسکاندیناوی (دانمارک فعلی) اعزام کرد. این اعزام با رهبری فردی به نام «یحیی بن حکم بکری» (۱۵۳ - ۲۵۰ ق) معروف به «غزال» انجام شد. علت انتخاب یحیی غزال این بود که او به چندین زبان آشنایی داشته و از فصاحت و بلاغت گفتار برخوردار بود. سفر غزال به نزد نورمان‌ها از راه اقیانوس اطلس انجام شد. او به مکان سکونت نورمان‌ها رفته و مورد استقبال پادشاه قرار گرفت. پادشاه نورمان‌ها «تورجایوس» بود که نام عمومی ملوک آنهاست.^۵ بیشتر منابع به این سفارت و سفارت دیگر غزال به قسطنطنیه، نگاه ادبی داشته و به توصیف اشعارش پرداخته‌اند.^۶ غزال پس از انجام مأموریتش به اندلس بازگشت. نورمان‌ها تا سنت یعقوب او را بدرقه نموده و غزال پس از گذشت ۲۰ ماه نزد عبدالرحمن بازگشته و نامه پادشاه نورمان‌ها را به عبدالرحمن رساند.^۷ غارت‌های نورمان‌ها، ۴۳ روز به طول انجامید و باعث شد تا عبدالرحمن به ضرورت تشکیل ناوگان دریایی مقتدر پی ببرد، از این رو ابتدا به استحکام مرزهای غربی و جنوب‌غربی پرداخت. در سال

۱. لبله در غرب اندلس واقع شده و به نام الحمراء شناخته می‌شود. دارای دژ مستحکمی است و بین آن و اقیانوس اطلس ۶ میل فاصله است. (حمیری، *صفه جزيرة الاندلس*، ص ۱۶۹ - ۱۶۸)

۲. العذری، *ترصیح الاخبار*، ص ۱۰۰.

۳. طلیاطه (tajada) ناحیه‌ای در اندلس از نواحی استجه نزدیک قرطبه است. (حموی، *معجم البلدان*، ج ۴، ص ۳۹)

۴. ابن حیان، *السفر الثانی من کتاب المقتبس*، ص ۴۵۲ و ۴۵۵؛ ابن عذاری، *البيان المغرب*، ج ۲، ص ۸۸.

۵. کراتشو کوفسکی، *تاریخ الادب الجغرافی العری*، ج ۱، ص ۱۳۶ - ۱۳۵.

۶. ابن دحیه، *المطرب من اشعار اهل المغرب*، ص ۱۴۷ - ۱۳۸؛ ثعالی، *یتیمه الدهور*، ج ۲، ص ۵۶؛ ابن حیان، *السفر الثانی من کتاب المقتبس*، ص ۳۷۰ - ۳۵۰.

۷. ابن عذاری، *البيان المغرب*، ج ۲، ص ۹۳ - ۹۲؛ ابن خلدون، *العبر*، ج ۴، ص ۱۶۶.

۲۳۰ ق دستور ساخت دژ شهر اشبیلیه را در محل عبور نورمان‌ها از سمت دریا داد. این کار با اشاره وزیرش عبدالملک بن حبیب بود که نزد عبدالرحمن جایگاه والایی داشت.^۱ عبدالرحمن برای ساخت دژ از عبدالله بن سنان که از موالی شام و از نزدیکان عبدالرحمن بود، استفاده نموده و نام او را بر دروازه‌های آن گذاشت.^۲

اشبیلیه موقعیت استراتژیک خاصی داشت. این شهر در ساحل نهر کبیر قرار داشت و عبدالرحمن دژ آن را با سنگ بنا نمود و دستور استحکام آن را داد.^۳ عبدالرحمن به امور دریانوردی توجه ویژه‌ای نمود و کشتی‌هایی را در تمام سواحل ساخت و دریانوردانی را در آنها مستقر نمود.^۴

از ثمرات پایه‌گذاری و تقویت نیروی دریایی قوی در مدیترانه توسط امویان، فتح جزائر شرقی معروف به جزائر بلیار در سال ۲۳۴ ق و انضمام این جزائر به اندلس بود. برطبق نقل ابن حیان، امیر عبدالرحمن ناوگانی با ۳۰۰ کشتی به دو جزیره میورقه و منورقه اعزام نمود. علت این امر نقض عهد و تعرض به کشتی‌های مسلمانان بود. این ناوگان پس از پیروزی، از اهالی اسیر و غنیمت گرفته و بسیاری از جزائر آنها را به تصرف درآوردند.^۵ پس از مدتی اهالی جزیره میورقه از عبدالرحمن تقاضای بخشش نموده و متعهد به ولاء شدند و در نامه‌ای به امیر، درخواست صلح نمودند. ابن‌عذارى در کتاب *البيان المغرب* نامه اهالی میورقه و منورقه به عبدالرحمن را آورده است، که در آن به اعزام نیروها برای به اطاعت درآوردن این جزائر و همچنین برخورد مسلمانان با ساکنان جزیره و تصرف اموال و گرفتن اسیران اشاره شده است.^۶

ساکنان این جزایر متعهد به پرداخت جزیه شدند و از این پس جزائر سه گانه میورقه، منورقه و یابسه از ولایات اندلس گردیده و ولایت جزائر شرقی را در سال ۲۳۵ ق به وجود آوردند. استقرار حکومت امویان در جزائر بلیار باعث تفوق دریایی امویان در مدیترانه شده و یکی از پایگاه‌های دریایی امویان در مدیترانه گردید. حاکمان اموی از این ناوگان در جهت دفاع از سواحل اندلس و یا برای حمله به برخی از جزائر استفاده می‌نمودند.

۱. ابن حیان، *المقتبس*، ص ۲۴۴؛ ابن سعید مغربی، *المغرب فی حلی المغرب*، ج ۱، ص ۴۹؛ همان، ج ۲، ص ۹۶؛ بکری، *المسالك و الممالک*، ج ۲، ص ۹۰۴.

۲. ابن قوطیه، *تاریخ افتتاح الاندلس*، ص ۸۱.

۳. حمیری، *صفه جزیره الاندلس*، ص ۲۰.

۴. ابن حیان، *السفر الثانی من کتاب المقتبس*، ص ۴۵۶.

۵. ابن حیان، *المقتبس*، ص ۱۴۴؛ ابن سعید مغربی، *المغرب فی حلی المغرب*، ج ۱، ص ۴۹.

۶. ابن‌عذارى، *البيان المغرب*، ج ۲، ص ۸۹؛ ابن‌خطیب، *اعمال الاعلام*، ص ۱۸.

نیروی دریایی در عصر محمد بن عبدالرحمن (حک ۲۷۳ - ۲۳۸ ق)

پس از عبدالرحمن، پسرش محمد به قدرت رسید. امیر محمد نیز همانند پدرش به تقویت ناوگان دریایی، توجه ویژه‌ای داشت. علت اصلی این توجه تداوم حمله‌های نورمان‌ها به اندلس بود. با توجه به اینکه مسلمانان در حمله‌های قبلی نورمان‌ها غافلگیر شده بودند، از این‌رو در زمان امیر محمد دریانوردان اندلسی مراقبت شدیدی از سواحل داشتند و آن اندازه قوی شدند که در نبردی که در سال ۲۴۴ ق در مدخل رود اشبیلیه و در دریا با نورمان‌ها داشتند، نورمان‌ها شکست‌خورده، کشتی‌های آنها سوزانده شد و بقیه نورمان‌ها گریختند.^۱

نورمان‌ها پس از مدتی حمله به سواحل اندلس را در سال ۲۴۵ ق شروع کردند. این حمله به سواحل غربی اندلس و با ۶۲ کشتی انجام شد، اما این بار نورمان‌ها متوجه شدند که سواحل اندلس با کشتی‌های نظامی مسلمین به شدت محافظت می‌شود. مسلمانان با اهالی تدمیر^۲ درگیر شده و آنها را شکست دادند و وارد دژ اوریوله^۳ شدند. ناوگان امیرمحمد به نبرد با نورمان‌ها رفته و ۴۰ کشتی نورمان‌ها را نابود کرد. سپس بر دو کشتی از نورمان‌ها در نزدیکی سواحل کوره باجه^۴ مسلط شدند و اموال موجود در آنها را از طلا و نقره و اسیر به غنیمت گرفتند و آن دو را سوزاندند. بقیه کشتی‌های نورمان‌ها به طرف جنوب متوجه شده و به مصب رود وادی الکبیر^۵ رسیدند. امیرمحمد لشکر عظیمی از سرتاسر اندلس تدارک دیده و به نبرد رفت. نیروهای دریایی به سرداری حاجب عیسی بن حسن ابی‌عبده روانه مغرب شدند و مردم از هرسو به صفوف لشکر پیوستند. ناوگان مسلمین به سرداری دو امیرالبحر، حشحاش و ابن‌شکوح پیش‌تاختند. نورمان‌ها به جناحی که حشحاش فرمانده آن بود،

۱. ابن‌قوطیه، تاریخ افتتاح الاندلس، ص ۸۳.

۲. ایالت تدمیر متصل به نواحی ایالت جیان و در شرق قرطبه قرار دارد و دارای معادن بسیار و شهرها و روستاهایی می‌باشد. تدمیر در مجاورت دو جزیره و جزیره یابسه قرار دارد. (حموی، معجم البلدان، ج ۲، ص ۱۹) از شهرهای ایالت تدمیر می‌توان به مرسیه، اوریوله، قرطاجنه، لورقه، موله و جنجاله اشاره کرد. (ادریسی، نزهة المشتاق، ج ۲، ص ۵۳۸)

۳. اوریوله (Orihuela) شهری قدیمی در ناحیه تدمیر، باغ‌های آن به مرسیه متصل است. (حموی، معجم البلدان، ج ۱، ص ۲۸۰) اوریوله بر ساحل رود ابیض قرار دارد. (ادریسی، نزهة المشتاق، ج ۲، ص ۵۵۷)

۴. باجه (Beja) در منطقه پرتغال و به فاصله ۱۴۰ کیلومتری جنوب شرقی اشبونه قرار دارد و ایالت بزرگی می‌باشد. (مقری، فتح الطیب، ج ۱، ص ۱۵۹)

۵. رود وادی الکبیر (نهر اعظم یا نهر قرطبه) مهم‌ترین رود اندلس است. این رود نواحی قرطبه و اشبیلیه را سیراب می‌کند. وادی الکبیر از رشته کوه‌های مورنا در جنوب شرقی مزتا (meseta) سرچشمه می‌گیرد و از جنوب به سمت جنوب غربی جریان دارد و به مدیترانه می‌ریزد. وادی الکبیر تنها رودخانه‌ای در اندلس است که بخش پایین آن قابل کشتیرانی است. (ناجی، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، مدخل اندلس، ص ۳۲۴)

حمله کردند. امیرالبحر مسلمین در عرشه کشتی کشته شد. کشتی‌های نورمان‌ها تا جزیره الخضره پیش آمده و بر آن غلبه یافته و مسجد جامع را آتش زدند. سپس به طرف منطقه غربی حرکت کردند و شهر نکور یا نکورا^۱ را اشغال نمودند. آنها در طی مدت تصرف، اقدام به قتل و غارت نمودند.^۲ پس از مدتی برای بار دوم به ساحل شرقی اندلس بازگشته و تا ساحل کوره تدمیر رسیدند و توانستند به دژ اوربوله وارد شوند. سپس به طرف جنوب حرکت کرده و در این هنگام امیرمحمد، کشتی‌هایی را با انواع امکانات دریایی، همانند قیر، نفت و تیرانداز، تجهیز نمود.^۳ نیروی دریایی مسلمین در این نبردها موفقیت قاطعی کسب نمودند. این پیروزی‌ها باعث شد تا امویان در جهت تقویت هرچه بیشتر ناوگان دریایی تلاش نمایند.

امیرمحمد در سال ۲۶۶ ق دستور ساخت کشتی‌هایی را در نهر قرطبه داد. این ناوگان به فرماندهی عبدالحمید الرعبطی معروف به ابن مغیث، به اقیانوس اطلس وارد شد. جلیقیه^۴ از طرف اقیانوس اطلس، دژی نداشت و اهالی آن توان مقاومت نداشتند. زمانی که ناوگان مسلمین وارد دریا شد، تمامی کشتی‌هایشان درهم‌شکسته و پراکنده شدند و نتوانستند متحد شوند. ابن مغیث از این بلیه نجات یافت.^۵ دلیل اصلی نابودی این کشتی‌ها، عجله در ساخت آنها و بی‌توجهی به استحکام کشتی‌ها و همچنین مهارت نداشتن دریانوردان بود. در دوره امیرمحمد ۷۰۰ قایق نظامی ساخته شد.^۶ در سال ۲۹۰ ق عصام خولانی با ناوگان دریایی به جزیره میورقه لشکر راند. او پیش از این، در مسیر سفر حج به این جزیره رفته بود و از وضعیت نظامی، استحکامات و ثروت آن اطلاع داشت، و با امیر عبدالله در خصوص تصرف آن مشورت نمود. امیر ناوگانی را به همراه تعدادی نیروی نظامی در اختیار او قرار داد. او به میورقه لشکرکشی کرد و با محاصره آن، دژها را یکی پس از دیگری تصرف کرد تا فتح کامل گردید. عصام پس از این فتح به مدت ۱۰ سال والی جزیره گردید. اهالی جزیره پس از مرگش به امیر نامه نوشته و حکومت پسرش را خواستار شدند. امیر نیز پذیرفت.

۱. نکور، ناکوره یا ناکور، شهری در شمال منطقه غربی که در سال ۱۲۳ ق پایه‌گذاری شد. این شهر در ساحل دریای مدیترانه قرار دارد. (ادریسی، *نزهة المشتاق*، ج ۲، ص ۵۲۷)

۲. العذری، *ترصیح الاخبار*، ص ۱۱۹ - ۱۱۸؛ عنان، *تاریخ دولت اسلامی در اندلس*، ج ۱، ص ۳۱۹ - ۳۱۸.

۳. ابن خلدون، *العبر*، ج ۴، ص ۱۶۷؛ العذری، *ترصیح الاخبار*، ص ۱۱۹؛ ابن عذاری، *البيان المغرب*، ج ۲، ص ۹۷ - ۹۶.

۴. جلیقیه (Galicia) ناحیه‌ای نزدیک ساحل اقیانوس اطلس در شمال اندلس است که در دورترین منطقه از جهت غرب قرار دارد. (حموی، *معجم البلدان*، ج ۲، ص ۱۵۷) جلیقیه جزو مناطق پرتغال می‌باشد. (ادریسی، *نزهة المشتاق*، ج ۲، ص ۷۲۵)

۵. ابن عذاری، *البيان المغرب*، ج ۲، ص ۱۰۴ - ۱۰۳؛ ابن خلدون، *العبر*، ج ۴، ص ۱۶۸.

۶. ابن کردبوس، *تاریخ الاندلس*، ص ۵۷.

در زمان الناصر حکومت به موفق سپرده شد. او کشتی‌هایی را ساخته و با آنها به جنگ با بلاد مسیحی رفت.^۱

ناوگان دریایی در دوره عبدالرحمن ناصر (حک ۳۰۰ - ۳۵۰ ق)

عبدالرحمن سوم در سال ۳۰۰ ق به خلافت رسید و پس از چندی در سال ۳۱۶ ق با لقب الناصر لدین الله، ادعای خلافت نمود. او اقدامات گسترده‌ای در جهت استحکام قدرت نظامی و سیاسی انجام داد. حفظ و مراقبت از مرزهای آبی و گسترش ناوگان دریایی، از اصلی‌ترین فعالیت‌های عبدالرحمن بود؛ به گونه‌ای که قوی‌ترین ناوگان دریایی در طول دوره امویان، در زمان او شکل گرفت. این امر موجب اثبات برتری سیاسی و نظامی امویان در برابر دولت‌های متخاصم گردید.

۱. استفاده از ناوگان دریایی در رقابت با فاطمیان

در زمان عبدالرحمن ناصر، نزاع‌ها و رقابت‌ها با فاطمیان شدت یافت. این امر تأثیر زیادی در توجه به دریانوردی، برای هر دو گروه داشت. ناصر برای مقابله با فاطمیان و تبلیغات گسترده آنان در افریقه، نیاز به نیروی دریایی قوی و منظمی داشت. در این دوره فاطمیان در حال گسترش قلمرو خود بودند و به جزائر مدیترانه و مرزهای آبی اندلس نزدیک‌تر شدند. عبدالرحمن تلاش کرد تا اجازه ندهد فاطمیان از رود ملویه در افریقه و در حد فاصل بین مغرب‌اقصى و مغرب‌اوسط عبور کنند و مغرب‌اقصى منطقه نفوذ امویان بماند.

خطر فاطمیان زمانی به طور جدی برای امویان آشکار شد که آنان از جنبش عمر بن حفصون (۳۰۶ - ۲۶۸ ق) حمایت و او را با انواع سلاح و اموال بسیار کمک نمودند. به‌ویژه اینکه ابن حفصون مقر اصلی خود را بیشتر^۲ انتخاب کرده بود که در منطقه جنوب و بین رنده و مالقه^۳ قرار داشت، در نتیجه به راحتی امکان دریافت کمک از فاطمیان از طریق دریا، فراهم بود. ابن حفصون که از زمان

۱. ابن خلدون، *العبر*، ج ۴، ص ۲۱۰.

۲. بیشتر (bobastro) قلعه مستحکمی است و از قرطبه ۸۰ میل فاصله دارد. این دژ بسیار مستحکم بوده و دو دروازه ورودی دارد. این دژ مرکز مسیحیان است و دیرها و کنیسه‌های بسیاری دارد. (حمیری، *صفه جزیره الاندلس*، ص ۳۷)

۳. مالقه (Malaga) شهری آباد از نواحی ایالت ریه است. دژ آن بر ساحل دریا بین جزیره الخضرا و المریه قرار دارد. (حموی، *معجم البلدان*، ج ۵، ص ۴۳) مالقه مرکز ایالت ریه بوده و دارای انجیر نیکویی است. (ادریسی، *نزهة المشتاق*، ج ۲، ص ۵۷۰، ۵۳۷) مالقه شهری نیکو و مستحکم است و بر کوهی به نام کوه فاره بنا شده است. شهر دارای دو ریض می‌باشد که این ریض‌ها دژ ندارند و در آنها مسافرخانه‌ها و حمام‌هایی وجود دارد. (ادریسی، *نزهة المشتاق*، ج ۲، ص ۵۷۰ و ۵۶۵؛ حمیری، *صفه جزیره الاندلس*، ص ۱۷۸ - ۱۷۷)

امیر محمد بن عبدالرحمن قیامش را شروع نموده بود، مطیع فاطمیان شده و دعوت آنان را در اندلس آشکار نمود.^۱ ناصر نسبت به این تحولات، حساسیت ویژه‌ای داشت. او ناوگان دریایی قوی و منظمی را فراهم کرده و دستور ساخت کشتی‌های جدید و قوی را داد. ابن حفصون در زمان امیر عبدالله با فاطمیان در ارتباط بوده و از آنان کمک بسیار دریافت نمود.^۲ در آغاز حکومت عبدالرحمن، کشتی‌های اموی، در تنگه جبل الطارق مستقر شده و مانع امداد رسانی از افریقیه به ابن حفصون شده و دسترسی ابن حفصون به مدیترانه قطع گردید.^۳ عبدالرحمن کشتی‌های ابن حفصون را که در مسیر افریقیه تردد می‌کردند، مصادره نموده و در سال ۳۰۱ ق با تعدادی از کشتی‌هایی که به کمک او اعزام شده بودند، برخورد کرده و تمامی آنها را به آتش کشید.^۴ او برای مقابله با ابن حفصون از ناوگان شهرهای مالقه و اشبیلیه کمک گرفته و به تقویت نیروهای دریایی خود در جبل الطارق همت گمارد، تا از سواحل اندلس در برابر فاطمیان دفاع کند. با کمک این ناوگان دریایی بود که ناصر توانست نیروهای نظامی امویان را از جبل الطارق عبور داده و نفوذ امویان را در برخی مناطق مغرب همچون منطقه فاس و نواحی مجاور آن، گسترش دهد.

عبدالرحمن ناصر برای اثبات قدرت امویان در مغرب اقصی، اقدام به اعزام ناوگانی به سواحل افریقیه نمود. این امر باعث تثبیت قدرت امویان در منطقه گردید. نیروهای اموی در طی سال‌های ۳۱۴ تا ۳۱۹ ق بر طنجه مسلط شدند. او برای تصرف سواحل مغرب، کار را از سبت آغاز کرد و آنجا را با کمک ناوگان قدرتمندش از امرای بنی‌عصام گرفته و زعمای بربر به اطاعت او درآمدند.^۵ سپاهیان ناصر بارها به مغرب آمده تا با فاطمیان و ادریسیان و امرای بربر بجنگند. مهم‌ترین موفقیت او، به اطاعت درآوردن ادریسیان در سال ۳۳۲ ق بود. اداره ناچار به پذیرش صلح شده و خلافت ناصر را پذیرفته و دعوت فاطمیان را نقض کردند.^۶ به دنبال این موضوع، امرای مغراوه و مکناسه که صاحب مغرب اوسط و مغرب اقصی بودند، به ناصر گرایش یافته و هدایایی برای او فرستادند و او نیز آنها را در استحکام دولتشان یاری نمود.^۷

۱. ابن خلدون، *العبر*، ج ۴، ص ۱۷۳.

۲. ابن خطیب، *اعمال الاعلام*، ص ۳۲.

۳. ابن خلدون، *العبر*، ج ۴، ص ۱۷۹.

۴. ابن عذاری، *البيان المغرب*، ج ۲، ص ۱۶۵.

۵. ابن خلدون، *العبر*، ج ۴، ص ۱۴۱.

۶. عنان، *تاریخ دولت اسلامی در اندلس*، ج ۱، ص ۴۲۵.

۷. ابن خلدون، *العبر*، ج ۴، ص ۱۱.

تسلط امویان بر سبته باعث شد تا حاکمیت امویان بر دو طرف تنگه جبل الطارق و راه‌های آبی، مستحکم شود و بتوانند تمامی تحرکات فاطمیان را زیر نظر داشته باشند.^۱ در سال‌های بعد نیز لشکرکشی‌هایی به افریقه انجام شد. در سال ۳۳۳ ق عبدالرحمن بن رُمَاحس فرمانده ناوگان اندلس با ۱۵ کشتی نظامی به نبرد با بنی محمد در افریقه رفت. او در سال بعد نیز از شهر المریه به افریقه لشکرکشی نمود.^۲ ابن اثیر در حوادث سال ۳۴۴ ق اشاره به ماجرای دارد که در آن کشتی بزرگ عبدالرحمن با کشتی‌های المعزالدین الله خلیفه فاطمی (حک ۳۶۵ - ۳۴۱ ق) درگیر شده و اموال و نامه‌های معز را به غنیمت گرفتند. معز نیز با ناوگانش به المریه حمله نموده و تمامی کشتی‌های آن را به آتش کشید و آن کشتی بزرگ را غارت نمودند. شهر المریه نیز مورد تعرض ناوگان فاطمی قرار گرفت. عبدالرحمن به انتقام این کار معز، ناوگانش را به سواحل افریقه فرستاده و قتل و غارت زیادی نمودند.^۳ در همین سال امویان حمله دیگر ناوگان فاطمیان را به شهر المریه دفع نموده و پس از مدتی به افریقه یورش آوردند. پرچم‌های اموی به لنگرگاه خزر در تونس رسید. همچنین ناوگان دریایی عبدالرحمن با ۶۰ کشتی به فرماندهی امیرالبحر غالب بن عبدالرحمن در سال ۳۴۵ ق به مناطق تحت تصرف فاطمیان یورش برد.^۴ این نزاع‌ها و رقابت‌ها تا آنجا پیش رفت که ناصر در سال ۳۴۴ ق دستور لعن فاطمیان را بر تمامی منابر اندلس صادر نموده و به فرمانداران سایر نواحی نیز نامه‌هایی در این خصوص نوشت.^۵ در سال ۳۴۷ ق بار دیگر نیروهای فاطمی به رهبری جوهر صقلی، به سواحل افریقه تا نزدیکی سبته، یورش آوردند. ناوگان اموی در سبته نیروهای فاطمی را متوقف نمود.^۶ مطالب فراوانی از به کارگیری ناوگان دریایی برضد فاطمیان نقل شده است. آنچه که بیش از همه مشهود است، تهدید و غارت منافع یکدیگر در مغرب اقصی می‌باشد.

اهتمام عبدالرحمن به تقویت ناوگان دریایی باعث شد تا نیروی دریایی قوی در اندلس به وجود آید. ابن خلدون اشاره می‌کند که ناوگان دریایی در روزگار ناصر به ۲۰۰ کشتی یا حدود آن می‌رسید. فاطمیان نیز همین تعداد کشتی داشتند.^۷ این ناوگان نظامی برای جنگ‌های دریایی مهیا شده بود و از

۱. نعی، دولت امویان در اندلس، ص ۳۳۱.

۲. العذری، ترصیح الاخبار، ص ۸۲ - ۸۱؛ مقرئ، نصح الطیب، ج ۱، ص ۳۸۴.

۳. ابن اثیر، الکامل، ج ۷، ص ۲۱۳.

۴. ابن عذاری، البیان المغرب، ج ۲، ص ۲۲۱.

۵. همان، ص ۲۲۰.

۶. ابن خلدون، العبر، ج ۴، ص ۱۴۱؛ ابن عذاری، البیان المغرب، ج ۲، ص ۲۲۳ - ۲۲۲.

۷. ابن خلدون، العبر، ج ۱، ص ۳۱۴.

کشتی‌های دارای منجنیق و قایق‌های کوچک تشکیل می‌شد. عبدالرحمن تمایل بسیاری به پایه‌گذاری مراکز دریایی متعدد و نیز کارخانه‌های کشتی‌سازی در شهرها و مناطق مرزی داشت. ناصر همچنین برای تقویت بنیه نیروهای دریایی، دژ مستحکم شهر المریه را که دژخیران نامیده می‌شد، بنا کرد.^۱ قدرت دریایی در عصر اموی تا آنقدر افزایش یافته بود که سرتاسر سواحل مدیترانه را در سیطره خود داشت.

۲. نقش ناوگان دریایی در برخورد با مسیحیان

ناوگان دریایی ناصر در نبرد با مسیحیان، نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای داشت. در سال ۳۲۸ ق محمد بن رُماحس فرمانده ناوگان المریه، به همراه سپاهیان از اهالی المریه به طرطوشه^۲ لشکر راند و از این شهر با ۱۰ کشتی جنگی و ۴ قایق به طرف رأس الصلیب و به مناطق مسیحی‌نشین حرکت کرد و پس از انجام مأموریتش به طرطوشه بازگشته و از برشلونه غنیمت گرفت. در سال ۳۳۱ ق ابن‌رُماحس به همراه دو فرمانده به نام‌های غالب بن عبدالرحمن و سهل بن اسید با ۳۰ کشتی و ۶ قایق به نبرد با مسیحیان رفتند. کشتی‌های ابن‌رُماحس مورد حمله قرار گرفته و متفرق شدند، دو فرمانده همراه نیز (غالب و سهل) به شهرهای مجاور پناه بردند.^۳ در این زمان جزیره میورقه مهم‌ترین بندری بود که در جنگ‌های دریایی با مسیحیان مورد استفاده قرار می‌گرفت.

برخوردهای دریایی در عصر حکم المستنصر (حک ۳۶۶ - ۳۵۰ ق)

پس از مرگ عبدالرحمن، پسرش حکم ملقب به المستنصر بالله به خلافت رسید. او به تقویت نیروی دریایی، توجه خاصی داشت. المریه، مهم‌ترین بندرگاه ناوگان دریایی در مدیترانه و اشبیلیه مرکز اصلی ناوگان در ساحل اقیانوس اطلس بود. حکم دستور ساخت ناوگان دریایی را داد که تعداد کشتی‌های آن از نظامی و غیر آن به ۶۰۰ فروند می‌رسید.^۴ در این دوره، نورمان‌ها چند بار از طرف غرب و از جهت اقیانوس اطلس به اندلس حمله کردند. نخستین بار در سال ۳۵۵ ق بود که نورمان‌ها در اقیانوس اطلس آشکار شده و اهالی را دچار اضطراب کردند. آنان با ۲۸ کشتی به اشبونه یورش آوردند. ناوگان اشبیلیه به حرکت درآمد و در وادی شلب با نورمان‌ها روبه‌رو شد. تعدادی از کشتی‌های آنها را درهم‌شکسته و مسلمانانی را که اسیر نورمان‌ها شده بودند، نجات دادند و تمامی

۱. مقری، *نفع الطیب*، ج ۱، ص ۱۶۲.

۲. طرطوشه نزدیک دریای مدیترانه در ساحل و مصب رود ابرو (Ebro) و جنوب شهر طرکونه متصل به کوره بلنسیه قرارداد و تجار از آنجا به سایر مناطق سفر می‌کنند. (حموی، *معجم البلدان*، ج ۴، ص ۳۰)

۳. العذری، *توصیح الاخبار*، ص ۸۱ - ۸۰.

۴. ابن خطیب، *اعمال الاعلام*، ص ۴۱ - ۴۰.

مشرکین کشته شدند. فرمانده نیروی دریایی مسلمین در این نبرد، عبدالرحمن بن محمد بن رُمَاحس بود.^۱ در این لشکرکشی، نورمان‌ها به المریه رفته و دژ قبیطه را محاصره کردند. در همین سال حکم به ابن فطیس دستور داد تا ناوگان دریایی را در رود قرطبه ایجاد نماید و کشتی‌هایی را شبیه به کشتی‌های نورمان‌ها بسازد تا بتوانند با امنیت سوار کشتی‌های نورمان‌ها شوند.^۲ نورمان‌ها تا ۵ سال پس از این نتوانستند حمله جدیدی به اندلس انجام دهند.

در آغاز رمضان سال ۳۶۰ ق، نورمان‌ها به سواحل غربی یورش آوردند. حکم به ابن رُمَاحس دستور داد تا ناوگان دریایی را از المریه به اشبیلیه بیاورد. او نیز تمامی کشتی‌ها را به ناحیه غربی آورد. نورمان‌ها به رود دویره^۳ وارد شده و شنت بریه^۴ را غارت کردند، اما در نبرد شکست‌خورده و بازگشتند.^۵ در ذی‌القعدة همین سال ابن رُمَاحس بار دیگر به نبرد با نورمان‌ها در دریای شمال رفته و آنها را تعقیب و وادار به گریختن نمود.^۶

۱. رقابت با فاطمیان در زمان حکم

در دوره حکم، رقابت با فاطمیان و استفاده از ناوگان دریایی در جهت استحکام و تثبیت قدرت امویان در افریقیه ادامه داشت. به جهت اهمیتی که شهر المریه در رقابت‌های بین دو دولت داشت، حکم در سال ۳۵۳ ق برای بازدید از استحکامات و تقویت توان نظامی به المریه سفر کرد.^۷

از جمله مواردی که حکم از نیروی دریایی در مغرب‌اقصى استفاده نمود، برخورد با حسن بن گنون است. در سال ۳۶۱ ق حسن بن گنون به فاطمیان تمایل یافته و با نیروهای حکم وارد نبرد گردید. حکم فرمانده ناوگان دریایی اش ابن رُمَاحس را به سبته اعزام نمود. او طنجه را با کمک ناوگان دریایی مطیع کرد. نبردهای پراکنده حکم با بقایای ادریسیان، باعث افزایش توجه به ناوگان نظامی و تقویت آن گردید.^۸ ابن حیان به جزئیات لشکرکشی‌های ابن رُمَاحس بر ضد حسن بن گنون پرداخته و اخبار

۱. مقری، *نفتح الطیب*، ج ۱، ص ۳۸۴ - ۳۸۳؛ ابن عذاری، *البيان المغرب*، ج ۲، ص ۲۳۹.

۲. همان.

۳. رودخانه دویره (Duero Duoro) به اقیانوس اطلس می‌ریزد. این رود در مناطق قشتاله قرار داشته و در اطراف آن جنگ‌های متعددی بین مسلمانان و مسیحیان روی داده است.

۴. شنت بریه متصل به نواحی مدینه سالم و در شرق اندلس واقع است. این شهر بزرگ، خیر بسیار و درختان گردو و مسافرخانه‌های زیادی دارد و بین آن و قرطبه ۸۰ فرسخ فاصله است. (حموی، *معجم البلدان*، ج ۳، ص ۳۶۶)

۵. ابن عذاری، *البيان المغرب*، ج ۲، ص ۲۴۱؛ ابن حیان، *المقتبس*، ص ۱۸.

۶. همان، ص ۴۱ - ۴۰.

۷. ابن عذاری، *البيان المغرب*، ج ۲، ص ۲۳۶.

۸. همان، ج ۲، ص ۲۴۷ - ۲۴۴؛ مقری، *نفتح الطیب*، ج ۱، ص ۳۸۴.

پیروزی‌های او و اعزام وزیر غالب بن عبدالرحمن برای کمک به ابن‌رُماحس و نیز شکست و تسلیم شدن حسن بن گنون را به‌صورت روزانه و جزء‌به‌جزء آورده است.^۱ ابن‌ابی‌عامر، حاجب حکم، برای تقویت نیروهایش دستور استفاده از ناوگان اشبیلیه و ناوگان المریره را به‌صورت همزمان داد.^۲ سرانجام حسن شکست را پذیرفته و به همراه گروهی از ادربسیان به دربار حکم آمدند و حکم آنان را تا مدتی به‌صورت تبعید در قرطبه نگه داشت.^۳ در این زمان برای مدت کوتاهی حاکمیت بر تنگه جبل الطارق از تسط حکم خارج شد، اما این امر کوتاه‌مدت بوده و با نبردهای غالب بن عبدالرحمن، بار دیگر سیطره امویان بر جبل الطارق مستقر گردید.^۴ با توجه به اینکه مهم‌ترین ابزار نظامی برای انتقال نیرو به مغرب، ناوگان دریایی بود، لذا حکم اهتمام ویژه‌ای به گسترش و تقویت هرچه بیشتر آن داشت.

ناوگان دریایی در دوره خاندان ابن‌ابی‌عامر

پس از مرگ حکم در سال ۳۶۶ ق، فرزندش هشام‌المؤید جانشین او شده و امور خلافت قرطبه به‌دست حاجبش - محمد بن ابی‌عامر ملقب به منصور - افتاد. ابن‌ابی‌عامر سیاست ناصر و مستنصر را در خصوص امور دریایی دنبال نموده و به تقویت دریانوردی توجه ویژه‌ای داشت. منصور در سال ۳۸۷ ق برای نبرد با مسیحیان، ناوگان بزرگی را در محلی به نام قصر ابی دانس^۵ در ساحل غربی اندلس پایه‌گذاری نمود. او با این ناوگان، ملوانان، گروه‌های پیاده‌نظام، آذوقه، امکانات نظامی و اسلحه مورد نیاز را به موضعی در بر ساحل رود دویره پرتغال منتقل نموده و وارد این رودخانه شدند. از این ناوگان همانند پلی برای عبور از رود استفاده شد.^۶ منصور با کمک ناوگان دریایی، به نقل و انتقال گسترده نیروهای نظامی اقدام نموده و با استفاده از آن بخشی از فتوحاتش را در مناطق مسیحی انجام داد. از مهم‌ترین و معروف‌ترین آنها، فتح سنت‌یاقوب^۷ در سال ۳۸۷ ق است. در جریان این فتح او از تعدادی رود و خلیج در اقیانوس اطلس عبور نموده و سرزمین‌های متعددی از مسیحیان

۱. رک: ابن‌حیان، *المقتبس*، ص ۵۹ - ۵۸، ۶۶ و ۸۷ - ۸۰، ۹۸ - ۹۷ و صفحات متعدد دیگر.

۲. همان، ص ۸۱.

۳. رک: همان، ص ۱۵۷ و بعد از آن.

۴. ابن‌عذاری، *البيان المغرب*، ج ۲، ص ۲۴۸ - ۲۴۶.

۵. قصر ابی‌دانس (Alcacer do Sal)، این بندر در ناحیه‌ای به نام القصر قرارداد (ادریسی، *نزهة المشتاق*، ج ۲، ص ۵۳۸) و در ساحل جنوبی پرتغال و در منطقه اشبونه می‌باشد.

۶. ابن‌عذاری، *البيان المغرب*، ج ۲، ص ۲۹۵؛ مقرئ، *فتح الطیب*، ج ۱، ص ۴۱۴.

۷. سنت یاقوب (Santiago de compostella) یا سنت یاقوب یا سنت یاقب، دژ مستحکمی در اندلس می‌باشد. (حموی، *معجم البلدان*، ج ۳، ص ۳۶۸)

را در ساحل اقیانوس اطلس تصرف کرد و دژ سنت یاقوب را محاصره و فتح نمود. سپس به یکی از جزائر اقیانوس اطلس لشکر کشیده و خلق عظیمی را که به آنجا پناه برده بودند، اسیر کرد. منصور به خلیج لورقی و رود ایله^۱ وارد شد. دیر سنت بریه و خلیج ایلیاء را تصرف نمود و به جزیره سنت مانکش لشکر کشی کرد.^۲ آخرین جنگ منصور نبرد قلعه النصور در سال ۳۹۲ ق است که در ساحل رود دویره اتفاق افتاد. با توجه به فاصله طولانی این رود، لازم بود تا مسلمانان، امکانات نظامی را با کشتی‌های متعدد از ساحل اقیانوس اطلس به این منطقه مهم انتقال دهند.^۳ او در این نبرد زخمی شده و از دنیا رفت.

منصور سبته را مرکز ناوگان دریایی در مدیترانه قرارداد و استحکامات قوی در آن به وجود آورد. از جمله حوادث مرتبط با نیروی دریایی، می‌توان به برخورد با بلکین بن منادزیری اشاره نمود. بلکین با حمایت فاطمیان به سبته حمله کرد، ابن ابی‌عامر در سال ۳۶۳ ق سپاهی را به فرماندهی جعفر بن علی بن حمدون اندلسی به سبته اعزام کرده و با ناوگان نظامی از جزیره الخضراء او را تقویت نمود. نیروهای دریایی اندلس به گونه‌ای انبوه بودند که دریای مدیترانه از کثرت کشتی‌های آنها سفید شد و تنگه جبل الطارق محل رفت و آمد کشتی‌ها گردید. بلکین که از بالای کوه نور شاهد این خیل عظیم نیروهای کمکی از جزیره الخضراء بود، متوجه شد که توانایی مقابله با آنان را ندارد، از این رو آنجا را ترک کرد. منصور در زمان قیام بلکین، جزیره الخضراء را مرکز نظامی خود قرار داده و از آنجا جنگ را فرماندهی می‌کرد. او با کمک این ناوگان نظامی توانست جنبش بلکین را سرکوب نموده و در جمادی‌الاولی ۳۷۵ ق به مرکز بازگشت.^۴ ابن ابی‌عامر با استفاده از نیروی دریایی توانست بر حسن بن گنون، آخرین باقی‌مانده ادریسیان، فایق آمده و وی را از راه حیل به قتل رسانده و به دعوت ادریسیان در مغرب‌اقصی خاتمه دهد.^۵

توجه به جایگاه و اهمیت نیروی دریایی و اهتمام به گسترش آن توسط ابن ابی‌عامر آن اندازه اهمیت داشت که قسطلی در این خصوص قصیده‌ای سرود:

تحمل منه البحر بجرّاً من القنا یروع بها أمواجه ویهول
بکل ممالات الشراع كأنها وقد حملت أسد الحقائق غیل

۱. أیله (Ulla).

۲. ابن عذاری، *البيان المغرب*، ج ۲، ص ۲۹۶ - ۲۹۵؛ ابن خطیب، *اعمال الاعلام*، ص ۶۷؛ مقرئ، *فتح الطیب*، ج ۱، ص ۴۱۵.

۳. همان، ص ۴۱۴.

۴. مفاخر البربر، *الریاط*، ص ۱۰۷ - ۱۰۶؛ سلاوی، *الاستقصاء*، ج ۱، ص ۲۵۷ - ۲۵۶.

۵. ابن عذاری، *البيان المغرب*، ج ۲، ص ۲۸۱؛ ابن خلدون، *العبر*، ج ۶، ص ۲۹۳ - ۲۹۲.

إذا سابت شأو الرياح تخيلت	خیولاً مدی فرسانهن خیول
سحائب تجزيها الرياح فإن وقت	أطافت بأجساد النعام فيول
ظباء سمام ماهن مفاحص	وزرقه حمام ما هن هديل
سواكن في أوطانهن كأن سما	بها الموج حيث الراسيات نزول
كما رفع الال الهوادج بالضحي	غداة استقلت بالخليط حمول
أراقم تحوي ناقع السم ما لها	بما حملت دون العداة مقيل

ناوگان کشتی‌های جنگی او در دریا به‌گونه‌ای است که گویا دریا، بر روی خود دریایی از سرنیزه‌ها را حمل می‌کند که به سمت امواج متلاطم دریا برافراشته و آن را به هراس می‌اندازد.

آن کشتی‌ها با بادبان‌های برافراشته گویی بیشه‌ای است که شیران معرکه‌ها و سختی‌ها را در خود دارد.

آنگاه که این کشتی‌ها با بادهای مسابقه دهند به‌سان اسبانی می‌شوند که در کنار همدیگر مسابقه می‌دهند.

آن کشتی‌ها چون ابرهایی هستند که بادهای آنها را به حرکت درمی‌آورند، پس آنگاه که به مقصد برسند گویی فیلهایی هستند که بر گردن شترمرغ‌ها مشرف و سوارند. به‌سان آهوانی چالاک که جایگاه و مأوایی ندارند، و به مانند کبوتران آبی که آوازی سر نمی‌دهند.

آن کشتی‌ها در جای خود ساکنند گویی که موج آنها را به اوج می‌برد، در جایی که اگر کوه‌های برافراشته به‌جای آنها بود از جا برکنده می‌شد و از بین می‌رفت. صبح‌گاهان وقتی که کشتی‌ها به حرکت درمی‌آید مثل کجاوه‌های معشوقان است که سراب چاشتگاه آنها را بلند می‌کند.

آن کشتی‌ها به‌سان افعی‌هایی هستند که سمّ کشنده به مهمان خود تقدیم می‌کنند، و تا زمانی که به دشمنان خود نرسند، آرام نمی‌گیرند.

مردم در وصف کشتی‌ها چه نیکو و نغز مبالغه کردند، و شعر سرودند و نیکو به هدف رسیدند.^۱ پس از منصور، پسرش عبدالملک (د. ۳۹۹ ق) به‌قدرت‌رسید. او هفت نبرد با مسیحیان داشت. گزارشی از نبرد دریایی و یا استفاده از ناوگان نظامی ثبت نشده است. پس از او برادرش عبدالرحمن به مدت چند ماه حکومت نموده و با قیام مردمی حکومت بنی‌عامر منقرض شده و خلافت اموی دچار

۱. مقرئ، نفتح الطیب، ج ۴، ص ۸۷.

ضعف و انحطاط گردید. مدتی بنی حمود بر قرطبه مسلط شدند. از این دوره گزارش خاصی از دریانوردی ثبت نشده است، به‌ویژه اینکه پس از مدتی ملوک الطوائف بر مناطق مختلف اندلس حکومت یافته و شهرهای بندری که ناوگان امویان در آنها مستقر بود، بین حاکمان ملوک الطوائف تقسیم شد.

منصب امیرالبحر

فرمانده ناوگان دریایی به‌عنوان امیرالبحر یا قائدالبحر شناخته می‌شد. با توجه به اینکه امویان برای امور دریایی اهمیت ویژه‌ای قائل بودند، از این رو این منصب از اعتبار و جایگاه والایی در حکومت اموی برخوردار بود. مهم‌ترین و مشهورترین افرادی که این مقام را عهده‌دار شدند، محمد بن رُمَاحس و پسرش عبدالرحمن بودند. این دو نفر در نزد امیران اموی از جایگاه والایی برخوردار بودند. گزارش‌های متعددی از نبردهای دریایی محمد نقل شده است.^۱ مقر اصلی او المریه بوده و فرماندهی ناوگان دریایی را تا زمان ابن ابی‌عامر عهده‌دار بود. ابن ابی‌عامر از او احساس ترس نموده و سرانجام وی را در سال ۳۶۹ ق مسموم نمود. این درحالی بود که ابن رُمَاحس خدمات زیادی به نیروی دریایی اندلس، به‌ویژه در اخراج نورمان‌ها در عصر حکم داشت.^۲

از افراد دیگری که عهده‌دار این منصب شد، غالب بن عبدالرحمن الناصری از موالی عبدالرحمن الناصر بود. او در دربار حکم، مقام والایی داشته و از بزرگان حکومت اموی به‌شمار می‌آمد و مدتی حاکم ثغر اعلی شد. مقر حکومتش مدینه سالم بود. در زمان ابن ابی‌عامر نیز از بزرگان نظامی امویان بود. ابن ابی‌عامر با اسماء دختر غالب ازدواج نمود، اما پس از چندی بین‌شان اختلاف افتاد و در سال ۳۷۱ ق بین آنها جنگ درگرفته و غالب کشته شد.^۳

پادگان‌ها و استحکامات دریایی

در اندلس به جهت نزدیکی به مسیحیان، و حملات مکرر آنها، پادگان‌های متعددی به نام «رباط» ساخته شد. آن گونه که از گزارش‌های جغرافی‌دانان برمی‌آید، رباط‌ها پناهگاه مردم در زمان خطر و نیز محل اجتماع نیروهای نظامی بوده و بیشتر در مکانی بنا می‌شده که در معرض حمله دشمن بوده است. این رباط‌ها و پادگان‌ها در طول سواحل اندلس و برای جلوگیری از حملات خارجی، ساخته شدند و

۱. العذری، *توصیح الاخبار*، ص ۸۲ - ۸۱.

۲. مقری، *نفتح الطیب*، ج ۱، ص ۳۸۴.

۳. ابن عذاری، *البيان المغرب*، ج ۲، ص ۲۷۹؛ ابن خطیب، *اعمال الاعلام*، ص ۶۲ - ۶۵.

در آنها، نیروهای نظامی آماده به دفاع حاضر بودند تا مانع حمله نورمان‌ها شوند.^۱ قدیمی‌ترین رباط دریایی، در قریه قبطیل^۲ ساخته شد. این مکان نخستین محلی است که نورمان‌ها در آن ساکن شده و تمامی ساکنان آن را کشتند، به همین جهت مسلمانان در محل آن، رباط ساختند.^۳ آغاز ساخت آنها در زمان عبدالرحمن اوسط و در سال ۲۳۰ ق است. عبدالرحمن به ساخت پادگان‌ها و ساختمان‌هایی برای نگهداری در طول سواحل غربی مدیترانه به‌ویژه اشبیلیه توجه نمود.^۴

مهم‌ترین رباط ساحلی، رباط المریه^۵ است. المریه به دستور عبدالرحمن ناصر در سال ۳۴۴ ق بنا شد و از این زمان، به جهت نزدیکی با بجان^۶ رو به گسترش نهاد. این شهر بر روی کوه بنا شده^۷ و این امر در موقعیت نظامی آن تأثیر به‌سزایی داشت. بنابر نظر حمیری، از زمان ورود نورمان‌ها در این شهر پادگان‌هایی بنا شد. عذری به این موضوع اشاره کرده و می‌نویسد: «در المریه پادگان‌هایی ساخته شد و مردم به این پادگان‌ها پناه‌برده و در آن ساکن گردیدند».^۸ در بین بندرهای نظامی اندلس، المریه از نخستین و مستحکم‌ترین پایگاه‌های دریانوردی مسلمین به‌شمار می‌آید. پایتخت دریانوردی اندلس شهر المریه بود. اهمیت این بندر به‌عنوان مرکز دریایی ناوگان نظامی از سال ۳۲۸ ق آشکار گردید، زمانی که خلیفه ناصر نخستین والی را بر بجان گماشت. این والی، بندر المریه را برای انجام عملیات دریایی برگزید. والیانی که به المریه فرستاده می‌شدند، ولایت بجان را نیز به‌طور

۱. بکری، *المسالك و الممالك*، ج ۲، ص ۸۹۸؛ حمیری، *صفه جزيرة الاندلس*، ص ۳.
۲. قبطیل از شهرهای طرطوشه در ساحل دریاست که به عسکر معروف شد، زیرا محل نیروهای نظامی نورمان‌ها بود و بر گرد آن خندقی حفر کردند. (حمیری، *صفه جزيرة الاندلس*، ص ۱۵۰)
۳. ابن حیان، *السفر الثاني من كتاب المقتبس*، ص ۴۵۳.
۴. ابن قوطیه، *تاریخ افتتاح الاندلس*، ص ۸۳ - ۸۲.
۵. المریه (Ameria) از کوره البیره از نواحی اندلس است. (حموی، *معجم البلدان*، ج ۵، ص ۱۱۹) این شهر بین دو کوه قرار دارد که بین آن دو خندق می‌باشد و بر دامنه یک کوه، مرکز شهر با دژ مستحکمی قرار گرفته و کوه دیگر ربض شهر می‌باشد. شهر دارای قلعه‌ای مستحکم با چندین دوازه می‌باشد. (ادریسی، *نزهة المشتاق*، ج ۲، ص ۵۶۲ - ۵۶۲ و ۵۶۶؛ حمیری، *صفه جزيرة الاندلس*، ص ۱۸۴)
۶. بجان شهری از نواحی کوره البیره می‌باشد که پیش از المریه وجود داشته و ساکنان بجان به المریه نقل مکان نموده و المریه آباد و بجان ویران شد. (حموی، *معجم البلدان*، ج ۱، ص ۳۳۹) در این شهر زمانی که بنی‌امیه وارد اندلس شدند، بنی‌سراج از قضاعه در آن ساکن شده و نگهداری آن را برعهده گرفتند. دریانوردان عرب در آن دژی ساخته و آن را امن نمودند. (حمیری، *صفه جزيرة الاندلس*، ص ۳۸ - ۳۷) در اطراف این شهر، المریه و برج‌ها و دژهای متعددی قرار دارد. (ادریسی، *نزهة المشتاق*، ج ۲، ص ۵۳۷)
۷. بکری، *المسالك و الممالك*، ج ۲، ص ۸۹۶.
۸. العذری، *توضیح الاخبار*، ص ۸۶؛ حمیری، *صفه جزيرة الاندلس*، ص ۱۸۳.

همزمان برعهده داشتند. عذری نام تعدادی از این افراد را آورده است.^۱

این شهر دارای دژهای مستحکمی همچون دژ برج، و دژ شنش بوده و استحکامات نظامی خاصی در آن ساخته شد. بیشترین ناوگان دریایی در المریه مستقر شد. المریه به شکل دایره‌ای بنا شد و صخره‌های مستحکم و سنگ‌های تیزی داشت. این شهر مرکز تولید انواع کالاهای و تولیدات آهنی، و غیر آن بود.^۲ یکی از دلایل اصلی استقرار و گسترش کارخانه کشتی‌سازی در المریه، پیشینه ساخت ابزارهای فلزی و غیر آن و نیز وجود معادن آهن و سنگ در این شهر است. در المریه دژ مستحکمی از جهت دریا بنا شده و نیرو و آلات نظامی برای تقویت کشتی‌ها مهیا شده بود.^۳ المریه در فعالیت‌های تجاری نیز نقش ایفا می‌کرد.^۴

در زمانی که نورمان‌ها در شهر با اعراب درگیر شدند، مسلمین از این شهر به‌عنوان مرکز دیده‌بانی استفاده نمودند. المریه در سده ۴ ق متحول شده و به‌صورت پایگاه دریایی و زرادخانه اندلس درآمد.^۵ دژ مستحکم آن را عبدالرحمن ناصر بنا نمود.^۶ گزارش‌های متعددی از نبردهای دریایی ناصر با فاطمیان در این شهر ذکر شده است.^۷ المریه در دوران ابن ابی‌عامر جایگاه والایی به‌دست آورد. مسلمانان در این شهر، ناوگان دریایی را مستقر نموده و از این شهر به جنگ نورمان‌ها می‌رفتند.^۸ در دوره ضعف امویان و نابودی قدرت خاندان ابن ابی‌عامر، حکومت المریه توسط بنی‌صمادح مستقل گردید. آنان نسبت به امور دریانوردی توجه خاصی داشته و اقدام به اصلاح و ترمیم ناوگان دریایی نمودند. ابن خطیب گزارش می‌دهد:

این ناوگان مدت زیادی داوم نیاورد و کشتی‌های بزرگ آن به‌دست معزالدوله احمد بن معتصم صمادح سوزانده شد. چون معزالدوله از غلبه مرابطین بر حکومتش یقین پیدا کرد، به بزرگان حکومتش دستور داد تا از دژ شهر سوراخی به طرف کارخانه کشتی‌سازی حفر کنند، سپس او به همراه نزدیکانش سوار بر دو کشتی شده و با اموال و کالاهای گرانبهایش گریخته و دستور داد تا سایر کشتی‌ها را از ترس اینکه او را تعقیب‌کنند، آتش بزنند.^۹

۱. العذری، *توضیح الاخبار*، ص ۸۲ - ۸۱.

۲. ادریسی، *نزهة المشتاق*، ج ۲، ص ۵۶۳ - ۵۶۲.

۳. ابن‌غالب، *فرحة النفس فی تاریخ الاندلس*، ص ۲۸۳.

۴. حموی، *معجم البلدان*، ج ۵، ص ۱۱۹.

۵. ناجی، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، مدخل اندلس، ص ۳۲۴.

۶. حمیری، *صفه جزيرة الاندلس*، ص ۱۸۴.

۷. ابن‌اثیر، *الکامل*، ج ۷، ص ۲۱۳.

۸. حموی، *معجم البلدان*، ج ۵، ص ۱۱۹.

۹. ابن خطیب، *اعمال الاعلام*، ص ۱۹۲.

معزالدوله به دولت بنی حماد پناه برده و حاکم آن - منصور بن ناصر - مقدم او را گرامی داشته و به او نیکی نمود.^۱ موقعیت جغرافیایی و نظامی المریه باعث شد تا این شهر به‌عنوان شهری نفوذناپذیر شناخته شده و مرکز فرماندهی عالی ناوگان دریایی در آن مستقر شود و والیان شهر به‌عنوان امیرالبحر شناخته شوند.^۲

در شرق المریه رباط ساحلی دیگری به نام قابطه^۳ یا قبطه بنا شد. این رباط در نزدیکی المریه قرار گرفته بود.^۴ از دیگر رباط‌های اندلس، رباط روطه در شریش^۵ در ساحل دریا است.^۶ از رباط‌های مشهور، رباط اسیلا بود. چون نورمان‌ها در سواحل اسیلا ساکن شدند، بربرها به نبرد با آنها رفته و موضع اسیلا را به‌عنوان رباط برگزیده و از مناطق مختلف به این شهر مهاجرت نمودند.^۷ در حقیقت پایه‌گذاری شهر اسیلا از نتایج حمله نورمان‌ها به‌شمار می‌آید. بیشتر این رباط‌ها پس از مدتی خالی از نظامیان شده و تبدیل به مکانی برای افراد زاهد و عزلت‌نشین می‌شد. ابن ابار به برخی از این رباط‌ها با کاربری مکان زهد و عبادت اشاره کرده است. همانند رباط الخشنی در نزدیک المریه که تعدادی از فقها و زهاد و مجاهدین در آنها دفن شدند.^۸

در آثار جغرافیایی اشاره‌هایی به برج‌های دیده‌بانی در سواحل شده است. ادریسی می‌نویسد: «در ساحل قریه البجانس در نزدیکی دریا، برجی است که از سنگ ساخته شده، و زمانی که دشمن دیده شود، در آن آتش می‌افروزند».^۹

مهم‌ترین مراکز کشتی‌سازی

مراکز اصلی دریایی اندلس در امتداد ساحل شرقی و جنوبی اندلس، و بین برشلونه و جبل الطارق قرار داشتند. در ساحل غربی اندلس نیز چندین بندر مهم نظامی همانند اشونه، شتتمریه و قادس وجود

۱. ابن کردبوس، *تاریخ الاندلس*، ص ۱۰۵.

۲. ابن حیان، *المقتبس*، ص ۲۸.

۳. قابطه از بندرهای اندلس می‌باشد. (بکری، *المسالك*، ج ۲، ص ۷۵۵)

۴. ادریسی، *نزهة المشتاق*، ج ۲، ص ۵۵۹.

۵. شریش از کوره شذونه است و بین آن و قلشانه ۲۵ میل است و این شهر در نزدیکی دریا قرار دارد. شریش متوسط و

مستحکم و نیکوست. (حمیری، *صفه جزيرة الاندلس*، ص ۱۰۲)

۶. حمیری، *صفه جزيرة الاندلس*، ص ۱۰۲.

۷. ابن عذاری، *البيان المغرب*، ج ۱، ص ۲۳۲.

۸. ابن ابار، *التكملة*، ج ۱، ص ۷۶؛ همان، ج ۲، ص ۷۷؛ همان، ج ۳، ص ۹.

۹. ادریسی، *نزهة المشتاق*، ج ۲، ص ۵۶۳.

داشت. در برخی بندرهای اندلس کارخانه‌های کشتی‌سازی تأسیس شد که عموماً به نام دارالانشاء یا دارالصناعة شناخته می‌شدند.^۱

- طرطوشه (Tortosa): این شهر در نزدیکی دریای مدیترانه، در ساحل و مصب رود ابرو، بسیار مستحکم و در دامنه کوهی با دژی قوی بناگردید و در آن مراکز ساخت کشتی‌های بزرگ از چوب‌های کوهستان، ساخته شد.^۲ شهرت طرطوشه به جهت کارخانه کشتی‌سازی آن است که به دستور عبدالرحمن ناصر در آن بنا شد. علت تأسیس این کارخانه نیز فراوانی چوب درختان صنوبر در کوه‌های آن می‌باشد. کارخانه کشتی‌سازی در داخل دژ و توسط عبدالرحمن بن نظام بنا شد.^۳ چوب صنوبر آن، در طول و استحکام بی‌نظیر بود و رنگ آن قرمز و روغنی بوده و به سرعت تغییر نمی‌کرد. کرم‌خوردگی در آن ایجاد نمی‌شد و از شهرت خاصی برخوردار بود. از این نوع چوب، در کشتی‌سازی استفاده فراوان می‌شد.^۴

- دانیه^۵ (Denia): این شهر بر ساحل دریای مدیترانه قرار دارد و دارای دژ مستحکمی است. کشتی‌های بسیاری در کارخانه کشتی‌سازی دانیه، ساخته شدند. از این شهر ناوگان دریایی برای جنگ به اقصی مشرق حرکت می‌نمودند.^۶ دانیه درختان انجیر و صنوبر دارد که از آنها در کشتی‌سازی استفاده می‌شد.^۷ این شهر مرکز دریایی مهمی در زمان امویان بود و چون مجاهد عامری بر این شهر مستولی شد، دریانوردی آن شهرت ویژه‌ای پیدا نمود.^۸ بخشی از چوب‌های مورد نیاز برای ساخت کشتی‌های بزرگ و کوچک در دانیه، از شهر قلصه تهیه می‌شد.^۹

در المریه نیز کارخانه کشتی‌سازی بزرگی فعالیت می‌کرد که در نواحی آن، معادن آهن و سنگ وجود داشت^{۱۰} که از این معادن در ساخت کشتی استفاده می‌شد.

۱. همان، ص ۵۲۸، ۵۳۹ و ۵۴۲؛ حمیری، *صفه جزیره الاندلس*، ص ۱۱۱ - ۱۱۰.
۲. ادریسی، *نزهة المشتاق*، ج ۲، ص ۵۵۵.
۳. حمیری، *صفه جزیره الاندلس*، ص ۱۲۴؛ ابن کردبوس، *تاریخ الاندلس*، ص ۱۰۰.
۴. ادریسی، *نزهة المشتاق*، ج ۲، ص ۵۵۵.
۵. دانیه در جنوب بلنسیه در شرق اندلس واقع شده است. بندرگاه آن به نام سَمَان نامیده می‌شود. (حموی، *معجم البلدان*، ج ۲، ص ۴۳۴)
۶. همان، ص ۵۵۷.
۷. حمیری، *صفه جزیره الاندلس*، ص ۷۶.
۸. ابن کردبوس، *تاریخ الاندلس*، ص ۹۶.
۹. ادریسی، *نزهة المشتاق*، ج ۲، ص ۵۶۰.
۱۰. مقرئ، *فتح الطیب*، ج ۱، ص ۱۶۲.

از شهرهای دیگری که دارای کارخانه کشتی سازی بودند، می توان به موارد زیر اشاره نمود: اشبیلیه (Seville)؛^۱ جزیره الخضراء (Algeciras)؛^۲ شلب (Silves)؛^۳ جزیره شلطیش (Saltes)؛^۴ سنت مریه (santa maria)؛^۵ دژ قلییره (Galyera)؛^۶ و لقت (Alicante) که در این شهر کشتی های مسافری و آتش انداز ساخته می شد.^{۱۰}

برخی شهرها و جزائر، مرکز اصلی تهیه چوب یا ابزار آهنی برای ساخت کشتی به شمار می آمدند. از مهم ترین آنها القصر در ساحل رودی بزرگ است که در آن کشتی های مسافری بالا می روند. در اطراف شهر درختان صنوبر وجود دارد که با این درختان کشتی های زیادی ساخته می شد.^{۱۱} جزیره یابسه دارای درختان بسیار و چوب خوبی است که به این جهت بیشتر کشتی ها در این جزیره ساخته می شدند.^{۱۲} از مراکز مهم تولید چوب، قلصه می باشد. این شهر دژی بلند و دارای درختان صنوبر بسیاری است و از آنها چوب مناسبی به دست می آمد. این چوب ها را در آب قرار داده و به دانه و بلسیه حمل می نمودند. چوب ها از قلصه به جزیره شقر و از راه رودخانه و با کشتی به دانه حمل می شد. از این چوب ها کشتی های بزرگ و کوچک ساخته می شد.^{۱۳} دریانوردان اندلسی همه انواع کشتی ها از جمله ناو نظامی، آتش انداز و قایق کوچک را می ساختند و در جنگ های دریایی علاوه بر ناوهای نظامی، از کشتی های آتش انداز نیز استفاده می نمودند.

۱. ابن قوطیه، *تاریخ افتتاح الاندلس*، ص ۸۳ - ۸۲.

۲. این شهر بندری در اقصی جنوب اسپانیا در نزدیک جبل الطارق قرار دارد و به نام جزیره ام حکیم شناخته می شود و مشرف به دریا بوده و دژ آن متصل به دریای مدیترانه است. نورمان ها در سال ۲۴۵ ق بر این شهر غلبه یافتند. این شهر بر کنار رود برباط قرار دارد، اهالی اندلس در زمان سختی به آن پناه می برند. (حموی، *معجم البلدان*، ج ۲، ص ۱۳۶)

۳. ادریسی، *نزهة المشتاق*، ج ۲، ص ۵۲۸ و ۵۳۹؛ حمیری، *صفه جزیره الاندلس*، ص ۷۴ - ۷۳.

۴. شهری در غرب اندلس که مرکز ولایت اشکونیه می باشد. (حموی، *معجم البلدان*، ج ۳، ص ۳۵۷) شلب بر ساحل رود بطلمیوس واقع شده و از کوره شنونه می باشد. (حمیری، *صفه جزیره الاندلس*، ص ۱۰۶ و ما بعد)

۵. ادریسی، *نزهة المشتاق*، ج ۲، ص ۵۴۳.

۶. همان، ص ۵۴۲؛ حمیری، *صفه جزیره الاندلس*، ص ۱۱۱ - ۱۱۰.

۷. دو شهر به این نام وجود دارد: نخست شنتمریه غرب (Santa Maria de Algarve) که به نام (Faro) شناخته می شود و در پرتغال قرار دارد؛ دیگری شنتمریه شرق (Albarracin) که کوچک تر از قبلی است. در اینجا مراد، شهر نخست است. سنت مریه بر ساحل دریا و دارای دژ مستحکم است و در آن کنیسه ای است که مورد احترام زیاد مسیحیان قرار دارد. (حموی، *معجم البلدان*، ج ۳، ص ۳۶۷) این شهر بر ساحل اقیانوس اطلس قرار دارد.

۸. حمیری، *صفه جزیره الاندلس*، ۱۱۵ - ۱۱۴؛ ادریسی، *نزهة المشتاق*، ج ۲، ص ۵۴۳.

۹. همان، ص ۵۵۶.

۱۰. همان، ص ۵۸۸؛ حمیری، *صفه جزیره الاندلس*، ص ۱۷۰.

۱۱. ادریسی، *نزهة المشتاق*، ج ۲، ص ۵۴۴؛ حمیری، *صفه جزیره الاندلس*، ص ۱۶۱.

۱۲. حموی، *معجم البلدان*، ج ۵، ص ۴۲۴.

۱۳. ادریسی، *نزهة المشتاق*، ج ۲، ص ۵۶۰.

نتیجه

دولت امویان اندلس به نیروی دریایی قوی احتیاج داشت تا بتواند از طریق آن، دامنه نفوذش را بر همسایگان جنوبی و مسیحیان شمال گسترش دهد. نیروی دریایی امویان یکی از پایه‌های اصلی برای استحکام حکومت امویان به شمار آمده و نقش بسیار مهم و انکارناپذیری در حفظ شهرهای ساحلی و جلوگیری از ورود نورمان‌ها و اقوام مهاجم به اندلس و گسترش دامنه نفوذ آنان داشت. از مهم‌ترین نتایج پایه‌گذاری نیروی قوی دریایی توسط امویان، تسلط بر جزائر میورقه، منورقه و یابسه و تأسیس ولایت جزائر شرقی است. امویان دارای دو ناوگان نظامی قوی بودند: یکی در اقیانوس اطلس به مرکزیت اشبونه و دیگری در دریای مدیترانه به مرکزیت المریه.

آمدوشد مکرر ناوگان نظامی امویان و گسترش نفوذ دریایی در سواحل افریقای، باعث شد تا امویان به‌ویژه از زمان عبدالرحمن ناصر به بعد، قوی‌ترین قدرت دریایی در مدیترانه شوند. امویان به تأمین امنیت تنگه جبل الطارق و سبت، و تسلط بر آن توجه ویژه‌ای داشتند، این امر باعث شد تا سواحل جنوب و جنوب‌غربی اندلس، از طریق این تنگه در امنیت قرار گرفته، مسیر تجارت و ورود و خروج به مدیترانه از اقیانوس اطلس، در سیطره امویان قرار گیرد. امویان از این مناطق به افریقای و مناطق تحت سیطره فاطمیان دست‌اندازی می‌نمودند. از این رو در طول دوره حکومت امویان، به‌جهت موقعیت سوق الجیشی این منطقه، امنیت آن برای امویان اهمیت ویژه‌ای پیدا کرد و این امر موجب برتری امویان در مدیترانه گردید. این تفوق نظامی باعث شد تا ادریسیان زیر سلطه امویان درآمده و مغرب‌اقصی به امویان گرایش یافت. ملوک بنی‌خزر و بنی‌ابی‌العافیه نیز نمایندگانی را به سوی حکم المستنصر اعزام کردند تا دعوت وی را در قلمرو خود گسترش دهند.^۱

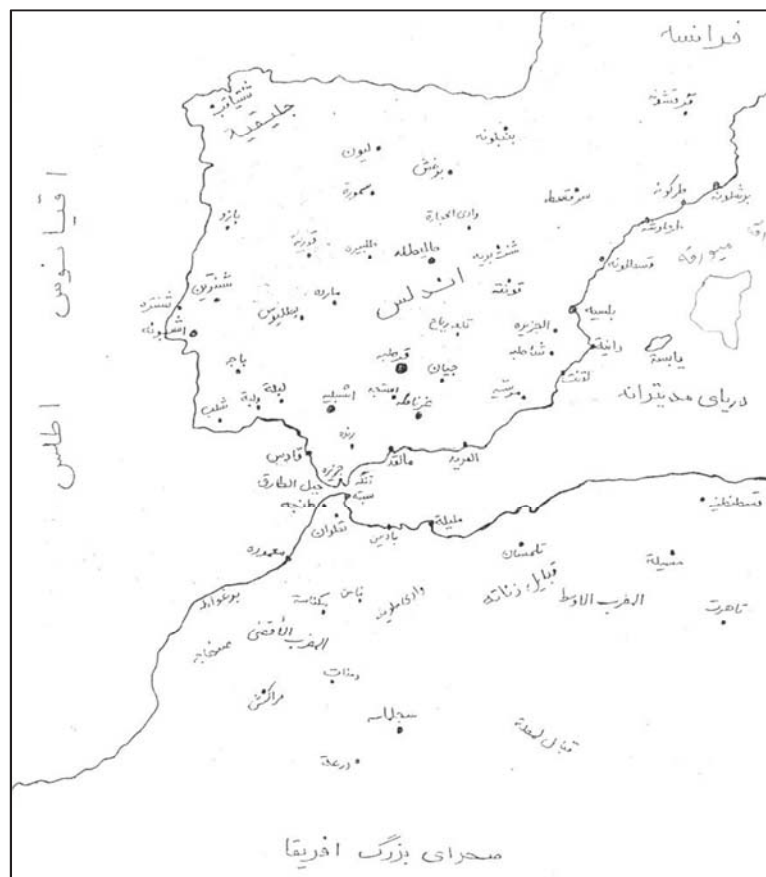
گسترش تجارت از نتایج ایجاد و توسعه دریانوردی بود. تجارت در بندرهای اندلس رونق زیادی داشت، از جزیره‌الخضراء تا طرطوشه، ده‌ها مرکز تجارت دریایی و بازار به‌وجود آمد. تجارت دریایی صرفاً با استفاده از ناوگان منظم و گسترده دریایی انجام می‌شد. با وجود اینکه بین دولت‌های فاطمیان و امویان اندلس نزاع‌های شدیدی وجود داشت، اما تجارت بندرهای مصر و مغرب با بندرهای اندلس در جریان بود. خطوط دریانوردی خاصی بین بندرها به‌وجود آمد، به‌گونه‌ای که هر کدام از بندرهای اندلس با یکی از بندرهای خاص افریقای، تجارت می‌کرد. بکری این خطوط دریانوردی را با دقت ثبت کرده است. تجار اندلسی در مغرب و افریقای بندرگاه‌ها و مراکز دریایی را تأسیس نموده و تولیدات و مواد خام را از اندلس به مغرب منتقل می‌کردند. اندلس غنی از معادن بود و تجار، این کانی‌ها را به مناطق مختلف حتی تا شهرهای شام

۱. ابن‌خلدون، *العبر*، ج ۴، ص ۱۸۱.

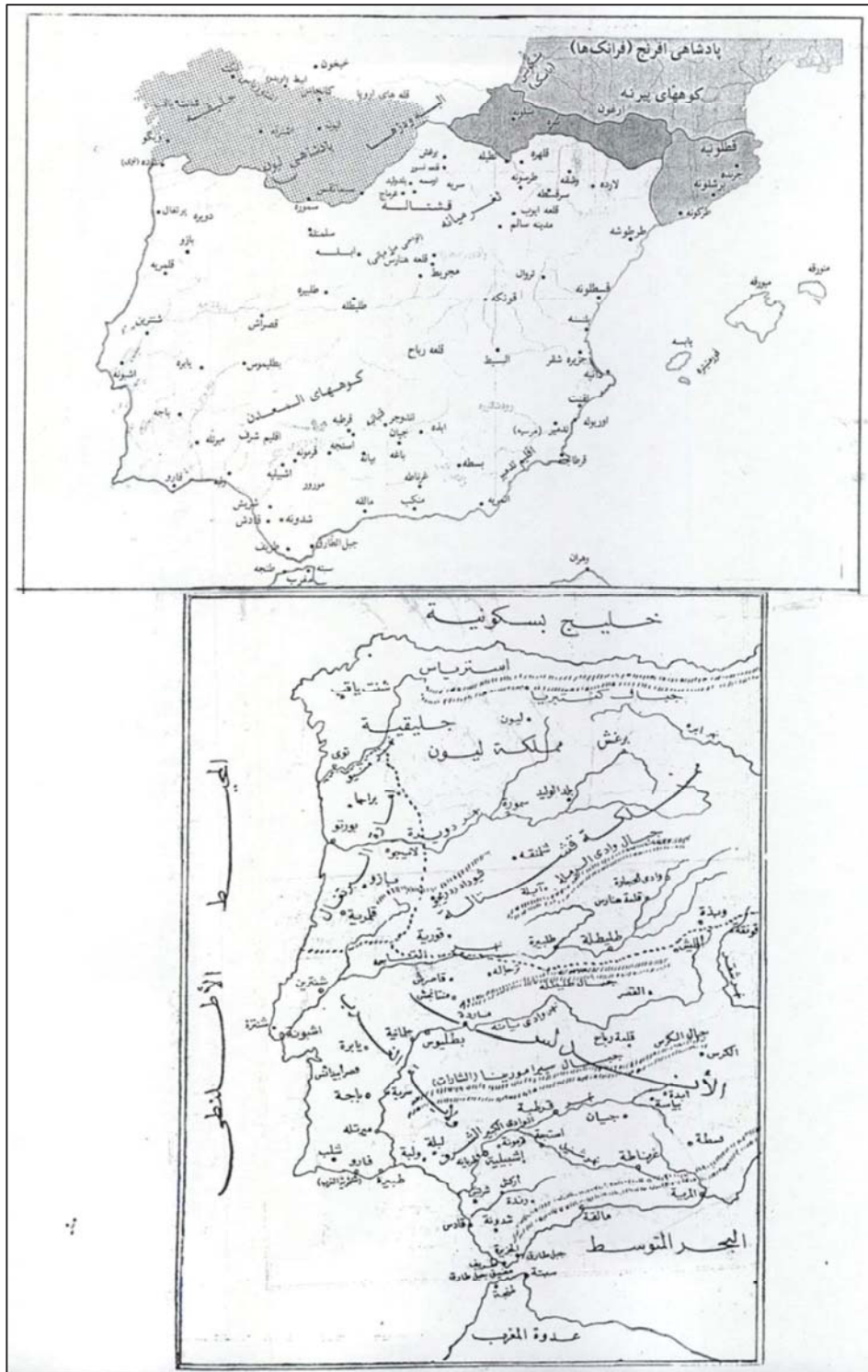
می‌بردند. تجارت روغن توسط اهالی اشیبلیه اهمیت خاصی داشت.^۱

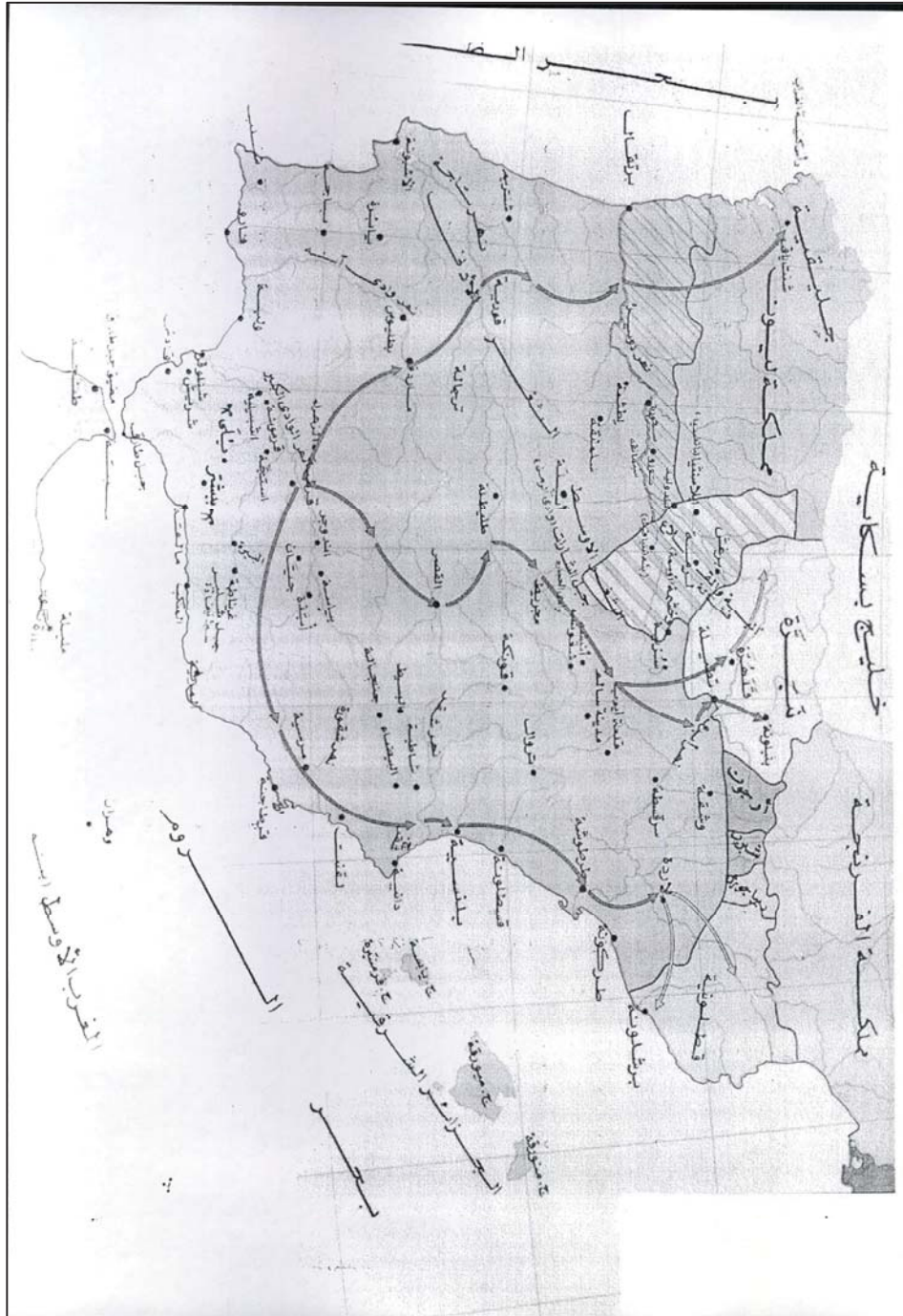
از دیگر نتایج تأسیس دریانوردی در اندلس، ساخت استحکامات دریایی، دژهای متعدد و بندرهای دریایی در سواحل بود. همچنین تعدادی کارخانه کشتی‌سازی در بندرهای اندلس تأسیس شد. عبدالرحمن ناصر بیشترین اهتمام را در ساخت بندرهای دریانوردی و کارخانه‌های کشتی‌سازی داشت. او تقریباً در تمامی بندرهای مهم در ساحل شرقی و غربی اندلس، مراکز ساخت کشتی تأسیس نمود. کارخانه‌های کشتی‌سازی در شهرهایی بنا می‌شد که غلبه نورمان‌ها را یک یا چند بار تجربه نموده بودند. در اندلس مواد ضروری و ابزار مختلف برای ساخت کشتی و اسحله‌های مختلف به وفور وجود داشت. تقریباً تمامی بنادر اندلس در کنار خلیج‌ها و آبراه‌ها و یا رودهای قابل کشتی‌رانی بنا شدند که این امر در دسترسی به آب‌های آزاد تأثیر زیادی داشت.

نقشه‌ها



۱. ادیسی، *نزهة المشتاق*، ج ۱، ص ۲۳۹.





منابع و مآخذ

۱. ابن الابار، محمد بن عبدالله، *التکلمه لکتاب الصله*، تحقیق عبدالسلام الهراس، بیروت، دارالفکر للطباعة، ۱۴۱۵ ق / ۱۹۹۵ م.
۲. ابن الاثیر، علی بن ابي الکرم، *الکامل فی التاریخ*، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۱۷ ق.
۳. ابن حیان القرطبی، حیان بن خلف بن حیان، *المقتبس*، تحقیق عبدالرحمن الحجی، بیروت، دارالثقافه، ۱۹۶۵ م.
۴. ابن حیان، حیان بن خلف، *السفر الثانی من کتاب المقتبس*، تحقیق محمود علی مکی، ریاض، مرکز الملک فیصل للبحوث والدراسات الاسلامیه، ۱۴۲۳ ق / ۲۰۰۲ م.
۵. ابن حیان القرطبی، حیان بن خلف بن حیان، *المقتبس فی اخبار بلد الاندلس*، تحقیق صلاح الدین الهواری، بیروت، مکتبه العصریه، ۱۴۲۶ ق / ۲۰۰۶ م.
۶. ابن حیان القرطبی، حیان بن خلف، *أبومروان، المقتبس من أنباء الاندلس*، تحقیق محمود علی مکی، قاهره، المجلس الأعلى للشؤون الإسلامیه، ۱۴۱۵ ق.
۷. ابن خطیب، لسان الدین، *اعمال الاعلام*، تحقیق لیلی بروفنسال، بیروت، دار مکشوف، ۱۹۵۶ م.
۸. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، *العبر و دیوان المبتدأ والخبر فی تاریخ العرب والبربر و من عاصرهم من ذوی الشأن الأكبر*، تحقیق خلیل شحاده، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۸ ق / ۱۹۸۸ م.
۹. ابن دحیه، عمر بن حسن، *المطرب من اشعار اهل المغرب*، تحقیق ابراهیم الایاری، قاهره، اداره نشر التراث القدیم، ۱۹۵۴ م.
۱۰. ابن سعید مغربی، ابوالحسن علی بن موسی اندلسی، *المغرب فی حلی المغرب*، تحقیق شوقی الضیف، قاهره، دارالمعارف، ۱۹۵۵ م.
۱۱. ابن عذاری المراكشي، ابو عبدالله محمد بن محمد، *البيان المغرب فی اخبار الاندلس و المغرب*، تحقیق ج.س. کولان و لیلی بروفنسال، بیروت، دارالثقافه، ۱۹۸۳ م.
۱۲. ابن غالب، حافظ محمد بن ایوب، *فرحة الانفس فی تاریخ الاندلس*، تحقیق لطفی عبدالبدیع، قاهره، مکتبه مصر، ۱۹۹۶ م.
۱۳. ابن قوطیه، محمد بن عمر، *تاریخ افتتاح الاندلس*، تحقیق ابراهیم الایاری، بیروت، دارالکتب اللبنانی، ۱۴۱۰ ق.

١٤. ابن كردبوس، *تاريخ الاندلس لابن الكردبوس و وصفة لابن الشباط*، تحقيق احمد مختار العبادي، مادريد، معهد الدراسات الاسلاميه، ١٩٧١ م.
١٥. *اخبار مجموعه في فتح الاندلس و ذكر امرائها والحروب الواقعه بها بينهم*، تحقيق ابراهيم الاياري، بيروت، دارالكتب اللبناني، ١٤١٠ ق.
١٦. بكري، ابو عبيد عبدالله بن عبدالعزيز، *المسالك و الممالك*، تحقيق آدریان فان ليوفن واندری فيري، بيروت، دارالغرب الاسلامي، ١٩٩٢ م.
١٧. ثعالي، عبدالملك بن محمد، *تيمهة الدهر في محاسن اهل العصر*، تصحيح محمد محي الدين عبدالحميد، بيروت، دارالفكر، ١٣٦٦ ق.
١٨. حميري، ابو عبدالله محمد بن عبد الله، *صفه جزيره الاندلس منتخبه من كتاب الروض المعطار*، تحقيق لافي بروفنصال، بيروت، دارالجيل، ١٤٠٨ ق.
١٩. حموي، شهاب الدين أبو عبدالله ياقوت بن عبدالله، *معجم البلدان*، بيروت، دارالصادر، ١٩٩٥ م.
٢٠. سلاوي، أبو العباس أحمد بن خالد، *الاستقصاء لأخبار دول المغرب الأقصى*، تحقيق جعفر الناصري و محمد الناصري، بيروت، الدار البيضاء، بي تا.
٢١. العذري، احمد بن عمر بن انس ابن الدلايبي، *ترصيع الاخبار و تنويع الآثار و البستان في غرائب البلدان و المسالك الى جميع الممالك*، تحقيق عبدالعزيز الاهواني، مادريد، معهد الدراسات الاسلاميه، بي تا.
٢٢. عنان، محمد عبدالله، *تاريخ دولت اسلامي در اندلس*، ترجمه عبدالمحمد آيتي، تهران، سازمان انتشارات كيهان، ١٣٧١.
٢٣. كراتشو كوفسكي، اغناطيوس يوليانونوفتش، *تاريخ الادب الجغرافي العربي*، ترجمه صلاح الدين عثمان هاشم، الخرطوم، ادارة الثقافة في جامعة الدول العربييه، ١٩٦١ م.
٢٤. مفاخر البربر، تحقيق عبدالقادر بابويه، *الرباط*، دار ابي رقرق للطباعة والنشر، ٢٠٠٥ م.
٢٥. مقرئ، شهاب الدين أحمد بن محمد التلمساني، *فتح الطيب من محسن الأندلس الرطيب و ذكر وزيرها لسان الدين بن الخطيب*، تحقيق احسان عباس، بيروت، دارصادر، ١٩٠٠ م.
٢٦. ناجي، محمدرضا، مدخل اندلس، *دائرة المعارف بزرگ اسلامي*، زیر نظر كاظم موسوی بجنوردی.
٢٧. نعی، عبدالمجید، *دولت امویان در اندلس*، ترجمه محمد سپهری، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ١٣٨٦.
٢٨. ادريسي، محمد بن محمد، *نزهة المشتاق في افتراق الآفاق*، بيروت، عالم الكتاب، ١٤٠٩ ق.